

در بطن باطن

روایتی از تاریخ، ایثارگری‌ها، مشکلات و مسائل محله باطن

۲ قصه قلعه‌ها

۴ پایگاهی برای رؤیاها

۵ اینجا هیچ استعدادی زمین نمی‌ماند

۷ باطن در چنبره توسعه نامتوازن

۸ مسجد مهربانی؛ ایده‌ای برای خدمت

به همراه گفت‌وگوهایی با نخبگان، فعالان و ایثارگران محله:

سهراب کیانی، رزمنده و پدر شهید مهدی کیانی / ابوذر زینلی، هنرمند قلم‌زن باطن

همسر محمد همتی، شهید اغتشاشات دی ماه

پهلوان مصطفی امینی، مربی و قهرمان کشوری ورزش‌های پهلوانی

محمد مهدی کریمی

مدیر منطقه ۱۴

شهرداری اصفهان ۱۴





سارا حقیقی

قصه قلعه‌ها

روایتی از تاریخ، مردم و فرازونشیب‌های محله قدیمی باطن



صحرای باطن که امروزه به محله مهدیه و باتون شناخته می‌شود، روزگاری دور محل کشت و کار مردم اصفهان بوده است. در این صحرا که از مادی سهم آب داشته، گندم می‌کاشتند و از کشت صیفی جات هم روزی عده‌ای از ساکنان اطراف فراهم می‌شده است. در فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد ۱۰ آمده است: «باطن، دهی است از دهستان جی، بخش حومه شهرستان اصفهان که در ۴ هزار گزی شمال خاور اصفهان و متصل به راه برخوار به اصفهان در جلگه واقع است. ناحیه‌ای است با آب و هوای معتدل و ۲۱۳ تن سکنه و آب آنجا از قنات و چاه تأمین می‌شود. محصول عمده آن غلات و پنبه و شغل اهالی، زراعت و گل‌داری و صنایع دستی زنان قالی بافی و راهش ماشین‌رواست.»

در اسنادی که موجود است محله باطن جزو ۱۷ محله اصفهان قرار دارد. در این صحرا قلعه‌ای وجود داشته به نام باطن که به گفته اهالی قدیمی، نام محله از آن گرفته شده.

داستان قلعه‌های باطن



حاج رمضان قربانی سال‌های سال است که در باطن زندگی می‌کند. دیدارمان با او در مسجد المهدی (عج) است و گذشته محله و روزگاری که سپری کرده می‌شود موضوع صحبت‌مان. می‌گوید هفتاد و چهار پنج سال است که ساکن باطن شده و از آن زمانی تعریف می‌کند که در سن شش سالگی و بعد از فوت پدرش، از سین برخوار به همراه مادرش به این محله می‌آیند و می‌شود نایب خان باطن: «آن موقعی که آمدم اینجا، خیلی خلوت بود و این همه ساخت‌وساز نبود. دوسه تا قلعه توی باطن بود که بیشتر مردم ساکن همین قلعه‌ها بودند.»

«قلعه بزرگ»، «قلعه کوچیکه» و «قلعه علاقه‌بند» سه قلعه باطن بوده‌اند که تا چند سال پیش هم بقایای آن‌ها در محله موجود بوده؛ اما حالا دوتا از آن‌ها مدرسه شده و یکی هم برای ساخت ورزشگاهی تخریب شده که سال‌هاست منتظر بودجه مانده و گودالی بزرگ شده که برای مردم محله می‌تواند خطرآفرین باشد. صاحب قلعه علاقه‌بند خاندان احمدزاده بوده که در شهر سقط‌فروشی داشته‌اند و به همین دلیل به قلعه آن‌ها علاقه‌بند می‌گفتند. به غیر از این سه قلعه، قلعه‌ای شخصی به نام «سر جوقی» هم در بالای صحرای باطن وجود داشته که متعلق به حاج میرزا عبدالحسین نقشینه بوده.

خانه‌های قدیمی



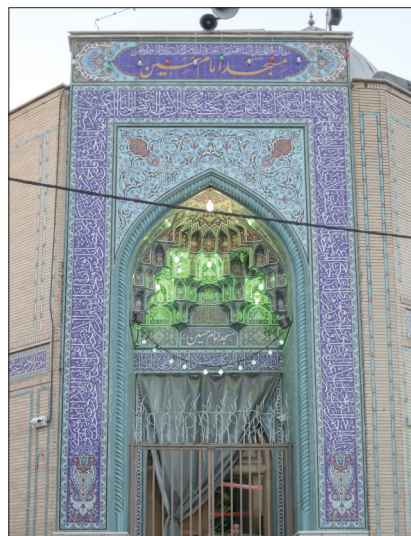
حاج رمضان در ادامه حرف‌هایش تعداد خانه‌های محله در حدود پنجاه شصت سال پیش را ۵۰ واحد ذکر می‌کند و ادامه می‌دهد: «ما به تعداد پدر و مادر و فرزندان‌شان سر می‌گوییم.

اگر آن زمان ۵۰ تا خانواده در محله بوده در کل اینجا حدود ۲۰۰۰ نفر ساکن داشته است.»

کشاورزی و دام‌پروری از مشاغل قدیم باطن بوده و در کنار آن به دلیل سهم آب فراوانی که داشته صیفی‌کاری و گل‌و‌کار (پنبه) هم انجام می‌شده است.

به گفته این معتمد محله، مسجد و اطراف آن جزو ملک باطن نبوده و مزرعه‌ای بوده که به آن دودانگی می‌گفتند: «ملک باطن از سمت مسجد امام حسین (ع) بود تا عاشق اصفهانی و زینبیه و دارک و از این طرف تا بعثت و مادی شاه‌پسند که الان به آن ابوریحان می‌گویند. مالکان باطن ملکشان را نمی‌فروختند و از این کار خوششان نمی‌آمد. بیشتر ساخت‌وسازها و جمعیت، توی این املاک دودانگی بودند. زمانی که ما عضو شورای محله بودیم آماری گرفتیم از لب خیابان زینبیه تا بعثت و از خیابان ابوریحان تا خیابان عاشق اصفهانی. بر اساس این آمار این محله حدود ده‌هزار نفر جمعیت داشته.»

روایت ساخت مسجد‌های محله



حاج رمضان به ساخت مسجد در محله اشاره می‌کند و می‌گوید که مسجد اصلی باطن، مسجد امام حسین (ع) بوده که ماه‌های محرم و صفر عزاداری‌ها در آن انجام می‌شد: «قدیمی‌ها به مسجد امام حسین مسجد قلعه می‌گفتند. بعد از انقلاب که کم‌کم جمعیت پیدا (زیاد) شد، زمین‌های این مسجد را در اختیار مردم قرار دادند و مسجد المهدی بنا شد و هیئت امام صادق (ع) که هیئت قدیمی محله بود، به این مسجد آمدند.»

او یکی از اعضای شورای محله بوده و سال‌ها در این شورا، به مردم خدمت‌رسانی کرده است. این ساکن قدیمی محله باطن سال تأسیس شورای محله را ۱۳۵۹ ذکر می‌کند و می‌افزاید: «من از سال ۱۳۶۲ به مدت بیست سال عضو شورا بودم و به خاطر اطلاعات کاملی که از محله داشتم ارباب‌رجوع زیادی به من مراجعه می‌کردند. اوایل جنگ بود. گفتند هر محله در محدوده خودش خدمات‌رسانی کند و پنج نفر از ساکنان محله عضو شورا شدند. اگر کسی برای ساخت‌وساز به سیمان و میلگرد نیاز داشت یا در زمینه سربازی فرزندش به مشکلی برمی‌خورد به شورا مراجعه می‌کرد. نیازهای اهالی محل را بررسی و رفع می‌کردیم. شورا خیلی خُرده‌کاری داشت. با اینکه سال‌هاست شورای محل منحل شده؛ اما هنوز مردم به من مراجعه می‌کنند و درباره سند زمین‌ها و مالک آن‌ها، انحصار وراثت و... از من اطلاعات می‌گیرند.»

در میان گفت‌وگویمان با حاج رمضان، آقای رسول زارعی باطانی، معتمد محله و عضو هیئت امنای مسجد امام حسین (ع) و امامزاده احمدرضا (ع)، به ما ملحق شد. او راننده لودر در شهرداری بوده که بازنشسته شده و از قدیمی‌های محله است که پسوند فامیلش سابقه سکونتش در باطن را نشان می‌دهد.

زارعی که شجره‌نامه امامزاده باطن را تهیه کرده و مدت‌ها نیز در شورای محله مشغول بوده، در ادامه حرف‌های آقای قربانی می‌گوید: «در شورا کارهای عمرانی هم انجام می‌شد. آسفالت خیابان‌ها، چراغ‌های روشنایی، پل‌هایی که ساخته شده، ساخت دیواره‌های مادی که از میان آبادی رد می‌شد خدماتی است که شورای اول و دوم انجام دادند.»

وجه تسمیه باطن

او نظر متفاوتی درباره نام محله دارد و با یادآوری خاطرات دوران سربازی‌اش در سال ۱۳۵۷، وجه تسمیه باطن را این‌طور تعریف می‌کند: «سرگرد کرامتی که مسئول حفاظت ما بود، به من گفت که اینجا نامش خاتون بوده. سلطان صفوی وقتی از شکار به سمت اصفهان برمی‌گردد به آبی زلالی برمی‌خورد به نام کی که از کساره سرچشمه می‌گرفته. شاه از این آب خوشش می‌آید و بعد از آن به شاه‌پسند معروف می‌شود. شاه سلطان حسین صفوی همسری به نام خاتون داشته و این محله را به نام خاتون نام‌گذاری می‌کنند که بعدها چون نام زن بوده و جنبه خوبی نداشته، آن را به باطون تغییر می‌دهند.»

زارعی می‌گوید در ترکی باطن یعنی بارانداز. به سبب وجود قلعه‌هایی که در این منطقه وجود داشت، کاروان‌ها برای استراحت به این قلعه می‌آمدند و بارهایشان را اینجا می‌گذاشتند؛ به همین دلیل به اینجا «بارانداز» هم می‌گفتند.

این معتمد محله باطن روایتش از گذشته محله را این‌گونه بیان می‌کند: «در گذشته اینجا ربابی داشته به نام احمدزاده یا اصطلاحاً

چند بنگاه املاک هم هست که کار خرید و فروش و رهن و اجاره‌های محله در دست آن‌هاست. آقای شریعتی یکی از این بنگاهداران است که ۱۲ سالی می‌شود از قدرت مالی مردم باطن برای تهیه مسکن باخبر است: «اینجا مردم از نظر مالی خیلی ضعیف هستند. ساخت‌وسازی هم انجام نمی‌شود. همین‌که بتوانند شکمشان را سیر کنند جای شکر دارد.» به گفته او، خانه‌های باطن بیشتر مشاع هستند و چون در بحث انحصار وراثت قرار گرفته‌اند، به چند خانه تقسیم شده‌اند با متراژهای کوچک چهل‌پنجاه متری که یا اجاره داده‌اند یا خودشان ساکن شده‌اند. او می‌گوید این محله تغییر چندانی از نظر ساخت‌وساز ندارد و شکل روستایی خودش را حفظ کرده است.

جریان زندگی زنان باطن



«حج غلوم حسین کدخدای ده باطون بوده»؛ خانم جریانی این را می‌گوید؛ کسی که پدر و اجدادش در همین باطن زندگی کرده‌اند و نسلشان اینجا ادامه یافته است. او که سال‌های طولانی عمرش را در این محله گذرانده، می‌گوید که از قدیم اینجا روستا نبوده و جزو اصفهان بوده: «اینجا را می‌گفتند می‌ریم طوقچی.» زنان محله باطن در گذشته پا به پای مردان فعالیت می‌کرده‌اند و خانم جریانی از آن دوران چنین یاد می‌کند: «قدیم‌ها زنان محله صحرا می‌رفتند.

شش ماه روزگار صحرا بود؛ کولیزه (پنبه) می‌چیدند، خوشه ضبط و پاش می‌کردند، به همسرانشان کمک می‌کردند؛ خانه‌داری هم می‌کردند.» علاوه بر این، قالی‌بافی هم جزو کارهایی زنان محله بوده و کارگاه قالی‌بافی نیز در باطن وجود داشته.

صدای شعر در باطن



از زیبایی‌های هر محله وجود هنرمندانی است که آثاری از خود به جا می‌گذارند. در باطن هم شاعری گرانقدر می‌زیسته که فخر محله بوده است. عباسعلی مهوری حبیب‌آبادی متخلص به «محورالشعرا» چهار دیوان دارد به نام‌های «نون‌هال اسلام»، «دیوان محور»، «فانوس عشق» و «ترجمه نظم نهج‌البلاغه». در کتاب فانوس عشق این شاعر ابیاتی را در وصف مولای متقیان سروده که بدون نقطه هستند.

او در سال ۱۳۱۴ در حبیب‌آباد به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در حبیب‌آباد پُرخواز نزد حاج شیخ عباس‌علی ادیب، سیدمحمد مرتضوی و حاج محمدعلی محسنی طی کرد. در نوجوانی سرودن شعر را آغاز کرد و ابتدا تخلصش «یم موج» بود و بعداً آن را به «محور» تغییر داد. این شاعر که سال‌ها در محله باطن می‌زیست سرانجام در سال ۱۳۸۳ وفات یافت و در قبرستان عمومی حبیب‌آباد (معروف به بهشت زینب سلام‌الله‌علیها) مدفون شد.

بیت زیر از اوست:

عقل را با آن درایت ره به کوی عشق نیست

با جنون رفتن به سوی حمل لیل خوش است

آب را به این طرف شهر می‌آورد دو شعبه داشت؛ یکی از شعبه‌ها به سودان می‌رفت و یکی هم به محله ما می‌آمد. آنقدر حجم آب زیاد بود که جوی آبی ساخته بودند که به سمت ارزنان و زینبیه می‌رفت.»

حالا از آن فراوانی چیزی باقی نمانده و دیرزمانی است که دیو خشک‌سالی سرگرم خشکاندن ریشه‌های آن سرسبزی است و تا چشم کار می‌کند خانه‌هایی ردیف‌به‌ردیف ساخته شده که دیوار هر خانه با دیوار همسایه را می‌توان با انگشتان دست و جب کرد: «بخشی از محله اینقدر سرسبز بود و درخت داشت که به آن کوچه بیشه می‌گفتند. کم‌کم از سال ۱۳۴۸ آب کم شد، قنات‌ها بی‌آب شدند و مکینه زدند تا نیاز محله را تأمین کنند. خانه زیادی اینجا نبود. سال ۵۳ شروع به ساخت‌وساز کردند. سمت راست محله دوتا خانه ساخته شده بود که یکی از آن‌ها هنوز هست و بعد هم چند خانه دیگر سمت چپ ساختند.»

نان به خودمان نمی‌رسد!



به گفته آقای حیدری، تغییرات باطن از گذشته تا امروز زیاد بوده: آسیابی در محله بوده که سنگش با آب فراوان می‌پرچیده و مردم برای آردکردن گندم‌ها به آسیاب می‌رفته‌اند. زمستان‌ها آنقدر برف می‌باریده که مردم نمی‌توانستند از خانه بیرون بیایند. حمای عمومی وجود داشته که در ابتدا خزینه‌ای بوده و بعدها نمره‌بندی و دوش برایش تعبیه می‌شود. صاحب حمام نمره‌ها را به مردم می‌فروشد و حالا هر کدام از آن‌ها خانه‌هایی هستند که کوچه‌ای را تشکیل داده‌اند. او البته گذشته را دوست ندارد و می‌گوید که آن موقع‌ها خوب نبود: «الان شرایط زندگی خیلی بهتر شده. آن موقع کثیفی و بیماری زیاد بود. فاضلاب نبود و کوچه‌ها خیلی وضعیت بدی داشتند. نه گاز داشتیم و نه برق. بعداً از سال ۱۳۵۴ برق وارد محله شد و به مرور لوله‌کشی آب هم آمد.» در میان حرف‌های این کاسب قدیمی، دوستانش با همه‌همه از مشکلات باطن می‌گویند. یکی می‌گوید اینجا نانوايي داریم؛ ولی چون تعداد مهاجران و اتباع زیاد است نان به خودمان نمی‌رسد. یکی دیگر می‌گوید بچه‌ها جایی ندارند برای تفریح و سرگرمی و مجبورند توی خیابان‌ها و کوچه‌ها بازی کنند که باعث آزار همسایه‌ها می‌شود. کم‌عرض‌بودن خیابان مهدیه و عدم عقب‌نشینی ساختمان‌ها و بی‌توجهی شهرداری به این موضوع، از دیگر مشکلاتی بود که به آن اشاره کردند؛ مشکلی که باعث آسیب‌رسیدن به مردم شده و حتی چندنفری به خاطر تصادف جان خود را از دست داده‌اند!

کاسبی در محله باطن خوب می‌چرخد؛ به‌خصوص سوپرمارکت‌ها و نانوايي‌ها. چون جمعیت محله زیاد است، کسب‌وکارها هم رونق دارند؛ اما به خاطر گرانی‌ها وضعیت‌بودن وضع مالی بیشتر اهالی محل، مردم توان خرید وسایلی مثل لوازم خانگی و تغییر محیط زندگی‌شان را ندارند. مردم محله باطن در خیابان باریک مهدیه انواع نیازهایشان را تأمین می‌کنند. در این خیابان از شیر مرغ تا جان آدمیزاد پیدا می‌شود؛ از نانوايي و سوپرمارکت بگیر تا فروش لوازم خانگی و پوشاک و عطاری و... .

محله کم‌برخوردار



علاقه‌بند یا علاقه‌مند. بعدها مرحوم میرزا عبدالحسین نقشینیه سه دانگ از صحرا را می‌خرد. چند قلعه در محله وجود داشته که یکی از آن‌ها ملک شخصی آقای احمدزاده بود؛ اما حالا تبدیل به مدرسه شده؛ مدرسه کرباسی‌زاده و سراییان. جد ما به اسم عبدالله باطانی به آقای نقشینیه می‌گوید که محله حمام و مسجد نیاز دارد. ایشان هم یک حمام خزینه‌ای برایشان می‌سازد که تا اوایل انقلاب هم سرپا بود. مسجد امام حسین را هم که ساختمانی خشت‌وگلی داشت می‌سازند. در حدود سال ۷۳ سقف مسجد بر اثر آتش‌سوزی سوخت که حاج مهدی نقشینیه، پسر میرزا عبدالحسین، مقداری زمین و پول داد و شروع به بازسازی آن کردیم.» اما مشکل حضور زنان در مساجد باعث می‌شود که اعضای شورا باز هم به آقای نقشینیه مراجعه کنند. او نیز که خوابی دیده که در آن خواب سیدی گفته که باید مسجد را توسعه بدهی، با ساخت حسینیه در محله موافقت می‌کند و سهم‌الارث زمینی را که در جوار مسجد داشته برای حسینیه می‌بخشد. خودش هم پای کار می‌ایستد و علاوه بر ساخت حسینیه، طبقه دوم مسجد را نیز می‌سازد.

امامزاده احمد(رضاع)؛ مأمن اهالی باطن

زارعی با مراجعه به میراث فرهنگی برای یافتن شجره‌نامه امامزاده احمد(رضاع)، پی می‌برد که ایشان از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) و ساختمان این امامزاده مربوط به اواخر دوره صفویه و حدود ۳۰۰ سال پیش است. از دوسوی امامزاده جوه‌ای آبی می‌گذشته که باعث سست‌شدن بنا شده و همین موضوع باعث می‌شود مردم سال ۱۳۹۷ ساختمان را تخریب کنند. بعد از مراجعه به شهرداری و دریافت پروانه ساخت، ساختمان این امامزاده با زیربنای هزار متر ساخته شده که محل مراجعه اهالی باطن و سایر مردم شهر است. مسجد به غیر از عبادت می‌تواند محلی باشد برای انجام اموری که مردم محله‌ها را از بسیاری انحرافات دور کند و مسجد امام حسین(ع) محله باطن این امکان را فراهم کرده تا افرادی که از چنگال دیواعتیار‌ها شده‌اند هر هفته دوره‌می‌هایی داشته باشند و آموزش‌هایی در زمینه‌های مختلف ببینند.

این معتمد محله در توصیف مردم باطن می‌گوید: «بومی‌های محل، مردمی بسیار متدین و ولایتمدار، سازگار و صلح‌جو هستند. در گذشته در صحرای باطن دزدی بسیار کم اتفاق می‌افتاد و امنیت محله زیاد بود؛ اما متأسفانه مدتی شرایط کمی تغییر کرده بود که الحمدلله نظم به محله برگشت و این به خاطر حضور مردم در خیابان‌ها و مساجد بود.» به گفته او، بیشتر قدیمی‌های محله مهاجرانی هستند که از برخوار، گرگاب، حبیب‌آباد و دولت‌آباد به باطن آمده‌اند و سال‌ها با زندگی در این محله به آن رونق بخشیده‌اند. با سخن‌گفتن از احداث خیابان مهدیه و داستان ساخت آن، صحبت‌هایمان را با زارعی باطانی به پایان رساندیم: «باطن قدیم با خیابان زینبیه ارتباطی نداشت و راهی به آن طرف نبود و مردم از خیابان بعثت رفت‌وآمد می‌کردند. سال ۲۸-۳۷ شخصی بود به نام حاج عبدالعلی امیدیان با گاو و زنب‌ر خاک‌های مسیر را برداشت و جاده را درست کرد که حالا به نام مهدیه شناخته می‌شود. به این ترتیب باطن به زینبیه متصل شد.»

دنیای مادی‌ها و جوی‌ها



کمی از مسجد پیش می‌رویم. چند مرد که همگی پا به سن گذاشته‌اند جلوی فروشگاه لوازم خانگی نشسته‌اند. صدایشان در هیاهوی بچه‌هایی که مشغول بازی وسط خیابان هستند و موتورهای برق، گم شده. اکبر حیدری، یکی از کسبه قدیمی باطن که سال ۱۳۶۰ مغازه لوازم خانگی‌اش را در محله راه انداخته، از قدیم‌ها می‌گوید: وقتی که اینجا آب فراوان بود، نگاهش را از غرب به شرق می‌چرخاند و گویی مسیر گذر آب را نشان می‌دهد: «زمستان که می‌شد آب کله می‌زد؛ طوری که اگر ماشین توی آن می‌افتاد آب می‌بردش. مادی شاه‌پسند که سهم



مریم نقیان

پایگاهی برای رؤیاها

روایت ۲۰۰ بانوی محله مهدیه که با عشق، محدودیت‌ها را به فرصت تبدیل کرده‌اند



محله مهدیه (باتان) اصفهان، در خیابان لاله شمالی، یک مسجد نیمه‌کاره دارد با نام المهدی (عج). اگر قدری در برابر این مسجد مکث کنید، صدای خنده‌های کودکان، عطر چای مادرانه و همه‌همه‌هایی که بوی تلاش و امید می‌دهد، شما را به درون می‌کشد. اینجا پایگاه بسیج خواهران حضرت مریم (س) است؛ جایی که از سال ۱۳۷۲، زنانی تصمیم گرفته‌اند محله‌شان را از درون بسازند. زهرا یزدانی، فرمانده این پایگاه است و ناامیدی را نمی‌شناسد. او روایت می‌کند از روزهایی که این پایگاه تبدیل شده به پناهگاهی برای بیش از ۲۰۰ بانوی محله؛ از مادرانی که در کارگاه‌های همسرداری و فرزندپروری شرکت می‌کنند تا دخترانی که در «دهکده بازی» مسجد، می‌دوند و می‌خندند و درس زندگی می‌آموزند. این گزارش، قصه یک محله کم‌برخوردار از فضای فرهنگی است که اما به برکت همت زنان، نفس می‌کشد.

وقتی یک ایده، در دل محله ریشه زد

فرمانده پایگاه بسیج حضرت مریم (س) با اشاره به قدمت این پایگاه، لبخندی می‌زند و می‌گوید: این پایگاه از سال ۱۳۷۲ افتتاح شد و هدف آن، این بود که برنامه‌هایی را برای رشد و تعالی بانوان محله برگزار کنیم. در کنار این رشد و تعالی، تفریحات و برنامه‌های سالمی برای نشاط این بانوان قرار دادیم تا بتوانند هم‌زمان با هم نیازهایی را که در زندگی دارند طی مهارت‌هایی که کسب می‌کنند به دست آورند. از همان ابتدا، نگاه به بانوان تنها آموزشی نبود؛ بلکه تلفیقی از دانش، مهارت و شادی بوده است؛ چراکه زن خانواده، وقتی دلش شاد و ذهنش توانمند باشد، کل محله آباد می‌شود.

برنامه‌هایی که از مهد تا مادر را پوشش می‌دهد

فعالیت‌های این پایگاه، دو قشر اصلی را دربر می‌گیرد: مادران و فرزندان‌شان. یزدانی توضیح می‌دهد: در قسمت کودک و نوجوان به اقتضای سن و اوقات فراغتی که دارند، برنامه بیشتری برای آن‌ها تدارک دیدیم. کلاس‌های هنری، فرهنگی، علمی، بازی و نشاط، همه‌وهمه در برنامه هفتگی این

بازی‌های نشاط‌آور می‌شوند. به‌غیراز داخل مسجد، در خارج از مسجد نیز برنامه‌های ورزشی و نشاط‌آور داریم؛ مانند استخر و ...

این نگاه، نشان می‌دهد که پایگاه، خود را در چارچوب مسجد محصور نکرده؛ بلکه از همه ظرفیت‌های موجود برای شادی دختران استفاده می‌کند.

در سوی دیگر ماجرا، مادران محله هستند. او با جدیت از کارگاه‌های «مادرانه» می‌گوید: برای رده سنی بانوان، کارگاه‌های مادرانه داریم که در حوزه‌های مهارت‌های همسرداری، فرزندپروری، ارتباط با نوجوانان، مسائل فرهنگی، مسائل اجتماعی و ... آموزش می‌بینند و بحث و گفت‌وگو صورت می‌گیرد. این کارگاه‌ها نه از سر تفنن، بلکه از سر ضرورت برگزار می‌شوند؛ چراکه بسیاری از چالش‌های خانواده‌های امروزی، ریشه در ناآگاهی یا کم‌توجهی به این مهارت‌ها دارد. مادرانی که پای این جلسات می‌نشینند، نه فقط شنونده‌اند؛ بلکه با هم‌افزایی تجربه‌های خود، شبکه‌ای از حمایت عاطفی و تربیتی در محله شکل می‌دهند. این جلسات، محلی برای درد دل، تبادل نظر و یادگیری راه‌حل‌های عملی برای مشکلات روزمره است.

پایگاه گنجانده شده است. او با شمارش چند نمونه از کلاس‌ها، از کامپیوتر و عکاسی می‌گوید تا سیاه‌قلم، نقاشی، رزین، ریاضی، زبان انگلیسی، قرآن، سرود و تئاتر و ... این کلاس‌ها فقط برای پرکردن اوقات فراغت نیست؛ بلکه هر کدام پلی است به سوی کشف استعدادها و نهفته دختران محله.

فرمانده پایگاه حضرت مریم (س) با افتخار می‌گوید: کارگاه‌های دخترانه‌ای را برگزار کرده‌ایم که بچه‌ها واقعاً به آن نیاز داشته‌اند و اردوهای درون‌شهری و برون‌شهری را نیز سالانه برای آن‌ها تدارک می‌بینیم.

سالنی که مسجد را به خانه شادی تبدیل کرد

اما شاید یکی از خلاقانه‌ترین اقدامات این پایگاه، راه‌اندازی سالن ورزشی داخل مسجد باشد با نامی شیرین و کودکانه: «دهکده بازی»؛ جایی که دختران محله، بدون دغدغه فضای بیرونی، مشغول ورزش و بازی‌های نشاط‌آور می‌شوند. یزدانی با اشاره به این فضا توضیح می‌دهد: در حوزه ورزشی، درون مسجد سالنی داریم که اسم آن دهکده بازی است. دختران در این سالن مشغول ورزش و

وقتی پایگاه خواهران و برادران دست‌به‌دست هم می‌دهند

فعالیت‌های پایگاه اما فقط به کلاس‌ها و کارگاه‌ها ختم نمی‌شود. فرمانده پایگاه حضرت مریم (س) از قرارگاهی اجتماعی به نام «مسجد مهربانی» یاد می‌کند که در آن، پایگاه خواهران و برادران هم‌زمان فعالیت دارند. او توضیح می‌دهد: در این قرارگاه فعالیت‌هایی در حوزه‌ها و ابعاد مختلف به اهالی که نیاز به برخی از خدمات دارند، ارائه می‌شود. این قرارگاه، پلی است میان مسجد و خیابان‌های محله؛ جایی که کمک‌های معیشتی، مشاوره‌های خانوادگی، خدمات بهداشتی و حتی همیاری در کارهای روزمره مردم به صورت جهادی انجام می‌شود.

حسرت یک فضای فرهنگی

با وجود این‌همه تلاش، یک زخم کهنه در کلام یزدانی خودنمایی می‌کند؛ کمبود زیرساخت‌های فرهنگی و تفریحی در محله مهدیه (باتان). او با تأسف بیان می‌کند: محله مهدیه (باطان) به دلیل اینکه محل پارک، کانون فرهنگی، مکانی که مخصوص فعالیت‌های فرهنگی باشد که بتوان همه افراد را در آنجا جذب کرد یا در آن به فعالیت‌های فرهنگی



مسجدی کامل. این یعنی زنان این محله برای رسیدن به رشد و تعالی، حاضرند از دل محدودیت‌ها بگذرند و پای درس‌هایی بنشینند که در گوشه‌ای از مسجد نیمه‌کاره برگزار می‌شود. این آمار، نشان از اعتماد عمیق خانواده‌ها به این پایگاه دارد و گواهی بر اینکه بسیج خواهران، توانسته جایگاه خود را به عنوان یک مرکز توانمندساز در محله تثبیت کند.

قصه پایگاه بسیج خواهران حضرت مریم(س) در محله مهدیه، قصه یک استقامت شیرین است؛ استقامتی که در آن، زهرا یزدانی و همکارانش، با اتکا به ایمان و عشق به مردم، از هر آجر مسجد نیمه‌کاره، پله‌ای به سوی تعالی ساخته‌اند.

خیلی از امکانات را نداریم و محدودیت داریم نمی‌توانیم خیلی از نیازهای محله را برآورده کنیم. اگر می‌توانستیم مکانی برای فعالیت‌های متنوع داشته باشیم و از لحاظ امکانات با مشکل مواجه نبودیم، ظرفیت بیشتری از اهالی محله را می‌توانستیم درگیر فعالیت‌ها و مسائل مختلف کنیم.

۲۰۰ بانوی فعال: عددی که از کمبودها نمی‌گوید، از همت می‌گوید

او در بخشی از صحبت‌های خود به آماری اشاره می‌کند که شاید برای یک پایگاه محلی، عدد بزرگی باشد: بیش از ۲۰۰ نفر فقط در برنامه‌هایی که مخصوص بانوان است شرکت می‌کنند. این عدد، در شرایطی به دست آمده که محله نه فضای فرهنگی دارد و نه

که ساختمان هیچ جذابیت ظاهری برای آن‌ها ندارد. این بسیجی صریح می‌گوید: نوجوانان و کودکان هم به دلیل جذابیت برنامه‌ها در مسجد حضور فعال دارند؛ وگرنه مسجد از لحاظ فیزیکی جذابیتی برای آن‌ها ندارد.

این جمله، گویای همه چیز است؛ اینکه محتوای غنی و برنامه‌های خلاقانه، می‌تواند کمبودهای سخت‌افزاری را جبران کند؛ اما این به معنای رضایت از وضع موجود نیست.

فرمانده پایگاه بسیج حضرت مریم(س) تأکید می‌کند که اگر فضای مناسب‌تری با امکانات کامل داشتند، می‌توانستند جمعیت بیشتری از اهالی را جذب کنند و نیازهای گسترده‌تری را پوشش دهند. یزدانی ادامه می‌دهد: ما به سبب اینکه

پرداخت ندارد، فعالیت‌ها فقط در مسجد صورت می‌گیرد. این یعنی محله برای ساکنانش فضایی بیرون از مسجد ندارد تا خانواده‌ها بتوانند اوقات فراغت خود را سپری کنند. ازسوی دیگر، خود مسجد نیز با محدودیت‌هایی روبه‌روست؛ ساختمان آن کامل نیست و هنوز ساخت‌وساز آن به پایان نرسیده است. البته مسجد هم با توجه به کمبود امکاناتی که دارد برای ما محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. از طرفی هر نوع فعالیتی را هم در مسجد نمی‌توان انجام داد.

وقتی نوجوانان به خاطر برنامه می‌آیند، نه به خاطر ساختمان

شاید جالب‌ترین نکته در روایت او، حضور پرشور نوجوانان در مسجد باشد؛ با وجودی



اینجا هیچ استعدادی زمین نمی‌ماند

گفت‌وگو با حسن طاهری، رئیس هیئت امناء و مدیر امامزاده احمد رضا(ع)

اهالی تقویت کرده است. از ظرفیت کلاس‌ها نیز برای تشویق مخاطبان به شرکت در سایر دوره‌ها و کسب مهارت‌های تازه استفاده می‌شود.

امامزاده‌ای با ۶۰۰ سال قدمت و بنایی تازه

مدیر امامزاده احمد رضا(ع) در ادامه بیان می‌کند: این امامزاده در اتوبان چمران، بلوار بعثت، کوچه ۵۲، واقع شده و هر روز پذیرای اهالی محله مهدیه (باطان) و دیگر مناطق اصفهان است. امامزاده احمد رضا(ع)، از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) با چندین واسطه و نوه شاه‌رضا(ع) است. ساختمان قبلی این آستان، قدمتی حدود ۶۰۰ سال داشت که بر اثر فرسودگی و بارش‌های مکرر تخریب شد. اکنون با همکاری اوقاف و شهرداری، بنایی موقت به مساحت ۶۰۰ مترمربع جایگزین آن شده تا فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی بدون وقفه ادامه یابد.

تداوم مسیر با اتکا به مردم

طاهری در پایان، با قدردانی از بستر فراهم‌شده، ابراز امیدواری می‌کند که با تداوم این رویکرد مردمی، امامزاده احمد رضا(ع) به الگویی برای سایر بقاع متبرکه در تبدیل‌شدن به پایگاه‌های چندمنظوره اجتماعی، فرهنگی و ورزشی تبدیل شود؛ جایی که هیچ استعدادی به خاطر نبود هزینه، زمین نماند و هیچ خانه‌ای از فیض حضور در برنامه‌های آن محروم نباشد.



برای مجموعه سودی ندارد؛ زیرا اکثر شرکت‌کنندگان به صورت رایگان یا نیم‌بها حضور می‌یابند. خدا را شکر استقبال بانوان به حدی است که در طول هفته حدود ۱۸ کلاس با میانگین ۲۰ نفر در هر کلاس برگزار می‌شود.

همه چیز خودجوش و محله‌محور است

شاید مهم‌ترین ویژگی فعالیت‌های امامزاده احمد رضا(ع)، روحیه خودجوش و محله‌محوری آن باشد. او با اشاره به بانی‌شدن خود افراد محله برای پذیرایی و برگزاری برنامه‌ها، تأکید می‌کند: هیچ تحمیل ساختاری از بیرون وجود ندارد. این مشارکت مردمی، نه تنها هزینه‌ها را کاهش داده؛ بلکه حسن‌تعلق و مسئولیت را در میان

ووشو با اساتید مجرب، هر هفته میزبان علاقه‌مندان است.

یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌ها، کلاس‌های تقویتی برای تمام دروس دانش‌آموزان است. مدیر امامزاده احمد رضا(ع) می‌گوید: گاهی خود معلمان هماهنگ می‌کنند تا در امامزاده کلاس برگزار کنند یا مدرسه درخواست می‌دهد که کلاس‌هایی را در این مکان برگزار کنیم.

ورزش و مهارت، بدون دغدغه مالی

یکی از امتیازهای بارز این مجموعه، نگاه حمایتی به اقشار کم‌درآمد است. طاهری تصریح می‌کند: افرادی که توانایی مالی برای ثبت‌نام در کلاس‌ها را ندارند، معرفی می‌کنیم و کسانی که می‌توانند هزینه را بپردازند، پرداخت می‌کنند. این کلاس‌ها

حسن طاهری، متولد ۱۳۴۵ و رئیس هیئت امناء و مدیر امامزاده احمد رضا(ع)، فعالیت‌های این مجموعه را در سه شاخه مذهبی، فرهنگی و ورزشی دسته‌بندی می‌کند و بیان می‌کند: شاخه مذهبی شامل هیئت برادران و خواهران است که در مناسبت‌های مختلف برنامه‌های پرفروغی برگزار می‌کنند. در بخش فرهنگی نیز هم خواهران و هم برادران پای کار آمده‌اند. طاهری تأکید می‌کند: کسی که مهارت بالایی در زبان انگلیسی دارد، کلاس آموزش زبان را برعهده می‌گیرد یا برای ایام محرم و صفر که بسیاری از مردم به کربلا می‌روند، کلاس زبان عربی برگزار می‌کنیم. مریبی همه این کلاس‌ها اهالی محله هستند که در حوزه‌های مختلف مهارت دارند.

خواهران؛ پیش‌تاز در آموزش مهارت‌های خانگی

او در ادامه می‌گوید: برای خواهران کلاس‌های گل‌دوزی، خیاطی و دیگر هنرهای دستی با حضور بانوان ماهر محله دایر است؛ آن‌ها بدون دریافت هیچ هزینه‌ای، تجربه‌های خود را به سایر اهالی منتقل می‌کنند. این حرکت خودجوش، علاوه بر توانمندسازی اقتصادی، به استحکام روابط همسایگی نیز انجامیده است. در کنار آن، کلاس‌های عبادی همچون احکام، اصول و عقاید، تفسیر و روخوانی قرآن، نیازهای معنوی مخاطبان را پوشش می‌دهد.

برای برادران نیز دوره‌های مهارتی و ورزشی طراحی شده؛ کلاس‌های رزمی، کشتی و



مریم نقیان



مثیره فهامی

رفت تا دیگران بمانند!

گفت وگو با سهراب کیانی، رزمنده و پدر شهید مهدی کیانی

همسرش دختر بسیار خوب و مؤمنی است. با اینکه سال‌ها از شهادت مهدی گذشته، همچنان به ماسر می‌زند و تمام تلاشش را کرده تا فرزندش را به خوبی تربیت کند.

آرزوی مهدی برای پسرش

مهدی برای پسرش آرزوهای زیادی داشت. دوست داشت فرزندش درس بخواند، به جایی برسد و بتواند مشکلی از مشکلات مردم را حل کند. پسرش خیلی شبیه خودش است؛ از نظر محبت و رفتار، مهدی را برای ما مدّعی می‌کند. امسال کنکور داد و هر شب به ما سر می‌زند. حضور او برای ما یادآور مهدی است. شهادت تنها پسرمان برای ما خیلی سخت بود. همسر من نیز از داغ پسرمان بسیار آسیب دید و بیمار شد. او هر روز از خاطرات مهدی می‌گوید. انگار خاطرات او در خانه ما تمام‌شدنی نیست.

سفری به مشهد و نمازی که فقط برای خدا بود

چند ماه پیش از شهادتش، همراه هم با قطار به مشهد رفتیم. در تمام طول مسیر قرآن می‌خواند. یک رفتار خاصی هم هنگام نماز داشت. وقتی می‌خواست نماز بخواند، انگشتش را مانند یک خط مقابل مهر می‌کشید. بعد از شهادتش با دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی تماس گرفتم و درباره این کار از آن‌ها سؤال کردم. گفتند معنایش این است که انسان هنگام نماز، از اینجا به بعد با دنیا کاری ندارد و فقط با خدا صحبت می‌کند.

در همان سفر مشهد، برای من یک شلوار و برای مادرش یک لباس خرید. هیچ‌وقت دلمان نیامد آن‌ها را بپوشیم. هنوز هم آن‌ها را به عنوان یادگاری از مهدی نگه داشته‌ایم.

پدری که خودش سال‌ها در جبهه بود

حاج سهراب، پدر شهید، متولد سال ۱۳۳۰ است و از رزمنده‌های دوران دفاع مقدس. از او که یادگار روزهای جنگ و جبهه است و هنوز یادگاری‌های جبهه را بر تن خود دارد می‌خواهم از آن روزها برایشان بگویم: سال ۱۳۶۵ از طرف پادگان مالک اشتر به جبهه اعزام شدم و تا سال ۱۳۶۹ در جبهه حضور داشتم. شلمچه، دهلایه، جزیره فاو و بسیاری از مناطق دیگر از جمله مناطقی بود که در آنجا حضور داشتم. از فرماندهی گردان گرفته تا آموزش دفاع شخصی، مسئولیت‌های مختلفی داشتم. در جریان تخلیه کردستان، شیمیایی شدم. آن زمان که به جبهه می‌رفتم، مهدی دو سال بیشتر نداشت.

محبت‌ها در جبهه جنس دیگری داشت

۳۰ سال نیز مسئول بسیج محله طوقچی و زینبیه بودم. آن سال‌ها و دوران جبهه، محبت‌ها و صمیمیت‌ها جنس دیگری داشت. آدم‌ها برای همدیگر دل می‌سوزاندند و کنار هم بودند. شاید مهدی هم بخشی از همین روحیه را از همان سال‌های کودکی و از محیطی که در آن بزرگ شد، به ارث برد. او در زندگی‌اش نشان داد که کمک به دیگران برایش فقط یک حرف نبود؛ در عمل هم پای آن می‌ایستاد.



از کارها با مهدی مشورت می‌کردم. هیچ‌وقت پایش را مقابل من دراز نمی‌کرد. اگر بچه‌اش روی پایش بود و من وارد اتاق می‌شدم، بچه را روی زمین می‌گذاشت و پایش را جمع می‌کرد. با همسایه‌ها و فامیل بسیار مهربان بود و تا جایی که توان داشت به دیگران کمک می‌کرد. خیرخواه بود و هر کاری از دستش برمی‌آمد برای مردم انجام می‌داد. با بچه‌های محل رفیق بود. بعد از شهادتش، تمام بچه‌های محل تا ۴۰ روز برایش لباس مشکی پوشیدند.

جایی که غیبت می‌کردند، نمی‌ماند

اگر جایی می‌نشست و می‌دید درباره فردی غیبت می‌کنند، بلند می‌شد و آنجا را ترک می‌کرد. شش سال از ازدواجش گذشته بود و همراه همسرش در طبقه بالای خانه مازندگی می‌کردند؛ اما هیچ‌وقت صدای آن‌ها را نشنیدیم. همیشه با ادب و احترام با یکدیگر صحبت می‌کردند. مهدی در تیم فوتبال ذوب‌آهن هم بازی می‌کرد و در کنار کار و فعالیت‌های اجتماعی، به ورزش علاقه زیادی داشت.

انتخاب همسر: ایمان، اخلاق و اصالت خانواده

سال ۱۳۸۳ ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک پسر بود که هنگام شهادت مهدی تنها سه سال داشت. وقتی می‌خواست ازدواج کند، مهم‌ترین معیارش این بود که خانواده همسرش، خانواده‌ای اصیل و خوب باشند. ایمان و اخلاق همسرش نیز برای او اهمیت زیادی داشت.

شب عاشورا! شبی که مهدی ماند

شب عاشورا بود و مهدی رفته بود سر کار. او متوجه شد موادی که در کوره ریخته شده، تصفیه نشده است. حرارت کوره به شدت بالا رفته بود و هر لحظه احتمال انفجار وجود داشت. سرپرست بهره‌برداری دستور ریختن مواد را داده بود؛ اما خودش تهران بود و در محل حضور نداشت. مهدی که معاون بهره‌برداری بود، متوجه خطر شد و سریع موضوع را پیگیری کرد. او به کارکنان هشدار داد که کوره هر لحظه ممکن است منفجر شود و از آن‌ها خواست هرچه سریع‌تر محل را ترک کنند. همه را بیرون فرستاد؛ اما خودش نرفت. مهدی با وجود خطر، برگشت تا ولف را باز کند. در همین هنگام، دریچه پرتاب شد و به شکمش برخورد کرد. آسیب شدیدی به او وارد شد؛ به گونه‌ای که کلیه‌اش از کار افتاد. وقتی به بیمارستان رسیدم، بالای سرش رفتم و از او پرسیدم: «چرا این کار را کردی؟ بچه‌ات فقط سه سالش است!» گفت: «خدا خودش مراقب همه هست.» می‌خواستند او را برای درمان به آلمان اعزام کنند؛ اما ساعت دو نیمه شب، ۱۳ مهر سال ۱۳۸۹ به شهادت رسید.

پسری که در برابر پدر، نهایت ادب را داشت

مهدی اخلاق بسیار خوبی داشت. گاهی با خودم می‌گویم من با وجود ۷۵ سال سن، حتی یک سر سوزن از اخلاق مهدی را ندارم. خیلی چیزها از او یاد گرفتم. او راهنمای من بود. در بسیاری

در محله باطن زینبیه، بعضی کوچه‌ها فقط مسیر عبور آدم‌ها نیستند؛ گاهی خودشان بخشی از یک خاطره‌اند. کوچه ابوریحان، کوچه ۱۱ و بن‌بست ۳۱، امروز نام مردی را بر خود دارند که روزگاری از همین حوالی گذشته، در همین محله بزرگ شده و میان مردم زندگی کرده است؛ شهید مهدی کیانی. مهدی تنها پسر خانواده بود؛ ششمین فرزند خانواده‌ای که پیش از آمدن او، چند دختر داشت. پدرش سهراب کیانی، رزمنده سال‌های دفاع مقدس، هنوز لحظه‌های تولد فرزندش را به یاد دارد؛ پسری که بعدها نه فقط فرزند او، بلکه به گفته خودش، «راهنمای زندگی‌اش» شد.

حاج سهراب امروز با گذشت سال‌ها از شهادت پسرش، هنوز از مهدی با همان محبت پدرانه سخن می‌گوید؛ از جوانی که در کنار تحصیل و کار، اهل مسجد و بسیج بود، به دیگران کمک می‌کرد، در فوتبال ذوب‌آهن بازی می‌کرد و در لحظه‌ای که جان ده‌ها نفر در خطر بود، ماند تا دیگران نجات پیدا کنند. داستان مهدی، روایت پسری است که در شب عاشورا، میان ماندن و رفتن، ماندن را انتخاب کرد؛ انتخابی که سرانجام او را به شهادت رساند.

در ادامه، روایت سهراب کیانی، پدر شهید مهدی کیانی، از زندگی، اخلاق، شهادت و خاطرات پسرش را می‌خوانیم.

مهدی، تنها پسر خانواده بود

مهدی سال ۱۳۶۳ به دنیا آمد و ششمین فرزند خانواده بود. قبل از او چند دختر داشتم و مهدی تنها پسر خانواده بود. راستش را بخواهید، وقتی به دنیا آمد، تا یک هفته او را نبوسیدم. با خودم می‌گفتم نکند به خاطر اینکه بعد از چند دختر، پسر به دنیا آمده، محبت بیشتری به او داشته باشم و خداوند بگوید این محبت به خاطر پسرپودنش است.

اما مهدی بعدها به قدری بزرگ و عزیز شد که نه تنها فرزندم، بلکه راهنمای من در زندگی شد. او کارشناسی ارشد مهندسی تأسیسات حرارتی داشت و پس از فارغ‌التحصیلی، در شرکت ذوب‌آهن استخدام شد و مسئولیت معاونت بهره‌برداری را بر عهده گرفت.

از کودکی با پدر به پادگان می‌آمد

من از طریق ذوب‌آهن مأمور به خدمت در پادگان مالک اشتر سپاه بودم؛ پادگانی که امروز به نام پادگان امام علی (ع) شناخته می‌شود و آن زمان در کنار ذوب‌آهن قرار داشت.

مهدی از کودکی مرتب با من به پادگان و بسیج می‌آمد. در اردوها و آموزش‌های نظامی شرکت می‌کرد و حتی در «خشم شب»‌ها همراه من بود. بعدها خودش هم از بسیجی‌های فعال و پاکار حوزه بسیج ۱۷ مقدار شد و مدتی مسئول فرهنگی آنجا بود.

زمانی که دانشجو بود، طرح تأسیسات حوزه علمیه خیابان حافظ را انجام داد و هیچ هزینه‌ای هم دریافت نکرد. حوزه علمیه قم هم از او خواست برای طراحی تأسیسات کمک کند. یک هفته به قم رفتم و طرح تأسیسات را آماده کرد؛ باز هم بدون اینکه چیزی در قبال آن بگیرد.

باطان در چنبره توسعه نامتوازن

گزارش میدانی از محله و روایت مشکلات متعددی که محله با آن دست و پنجه نرم می‌کند



محله باطان از محله‌های پرتراکم منطقه ۱۴ است. وقتی وارد محله می‌شویم به خوبی می‌توانیم این تراکم و رفت‌وآمد مردم را ببینیم. خیابان مهدیه که یکی از خیابان‌های اصلی است، هر روز شاهد آدم‌های مختلفی است که در کوچه‌پس‌کوچه‌های این محله ساکن شده‌اند. وقتی به گذشته محله برگردیم با محله‌ای قدیمی با خانه‌هایی بزرگ، کاهگلی و زمین‌های کشاورزی محصور شده روبه‌رو می‌شویم که قرابت زیادی با تراکم این روزها نداشته است. اگر در کوچه‌های قدیمی محله قدم بزنیم، هنوز می‌توانیم بقایایی از آن گذشته پرووق ببینیم. دیوارهای تخریب‌شده قدیمی که هنوز طاقچه‌های قدیمی و قوس‌دار را به خوبی نمایش می‌دهد. اما با گذشت زمان و خشک شدن زمین‌های کشاورزی، مالکان تصمیم گرفتند، زمین‌ها را به قطعات کوچک تقسیم کنند. زمین‌های کوچک‌شده به مهاجرانی که از شهرهای اطراف اصفهان به سمت محله باطان کوچ می‌کردند، فروخته شد. مردم مهاجر زمین‌های قطعه‌بندی شده که برخی از آن‌ها چندان هم بزرگ نبوده است را می‌خرند و محله بزرگ می‌شود و خانه‌های مسکونی از دل زمین‌های کشاورزی بی‌رقم سربری می‌آورند. این دلیلی می‌شود تا محله کوچک باطان به مرور توسعه پیدا کند؛ البته توسعه نامتوازن. کوچه‌های باریک و طولانی با دسترسی سخت به خیابان اصلی زینبیه، ارمان این توسعه و امروز یکی از مهم‌ترین مشکلات محله است.

خیابانی کم‌عرض و پرتراکم

خیابان مهدیه که آن‌هم بیش از ۳۰ سال است بازگشایی شده و حالا شده خیابان اصلی محله، یکی از پرتراکم‌ترین و پرتددترین خیابان‌های باطان و منطقه ۱۴ است؛ خیابانی بلند که دو طرف آن مغازه تجاری و واحد مسکونی تعریف‌شده و باریکی خیابان، رفت‌وآمد مردم را سخت کرده است. گاهی کم‌بودن عرض در این خیابان، تصادف و خسارت مالی و جانی هم به همراه داشته است. طرح توسعه و عریض شدن خیابان، سال‌هاست از سمت شهرداری مطرح می‌شود؛ اما به دلایل مختلف این طرح هنوز به‌صورت کامل و اصولی اجرایی نشده و همین مسئله باعث گلایه مردم شده و با افزایش جمعیت و تردد در این خیابان مشکلات مردم چندبرابر شده است. در سال‌های اخیر، برخی مغازه‌ها و خانه به‌دنبال ساخت‌وساز جدید،

مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند و همین مسئله باعث ترسیم چهره نامناسبی در این خیابان شده است. در خیابان مهدیه هیچ پیاده‌رویی تعریف نشده است و حرکت مردم در این خیابان، با وجود مغازه‌های متعدد با سختی صورت می‌گیرد. عبور و مرور برای کودکان و سالمندان، با توجه به عبور وسایل نقلیه خطرناک است.

محله‌ای متراکم؛ اما با امکانات محدود

محله باطان بسیار متراکم است؛ اما نسبت به جمعیت آن، پارک و فضای مناسب برای بازی کودکان و گذران اوقات فراغت افراد سالمند، در محله وجود ندارد. تنها پارک داخل خیابان مهدیه، به دلیل دسترسی بهتر برای مردم، عصرها با ازدحام زیادی روبه‌رو می‌شود و کمبود فضا، باعث گلایه مردم شده است. البته در سال‌های اخیر پارک جدیدی در مجاورت امامزاده احمدرضاع) و در انتهای محله، احداث شده که قرار بود به مجموعه فرهنگی ورزشی بزرگی در محله تبدیل شود؛ اما ناقص رها شده و سال‌هاست بلا تکلیف مانده و امکانات بسیار محدودی دارد. این بوستان قرار بوده محصور باشد و امکانات و فضاهای مختلف تفریحی و ورزشی داشته باشد؛ اما هنوز

اقدامی جدی درخصوص توسعه و تکمیل طرح و امکانات صورت نگرفته است. محله باطان فاقد فرهنگ‌سرا و مکان مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی است و کودکان و نوجوانان و بانوان، برای دریافت خدمات فرهنگی باید تنها به مساجد محله مراجعه کنند. در صورتی که وجود یک فرهنگ‌سرا می‌تواند بسیاری از خدمات فرهنگی را به مردم ارائه کند.

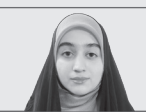
کمبود فضای ورزشی برای ورزش مردم و به‌ویژه بانوان در این محله، یکی دیگر از مشکلاتی است که اهالی محله به آن اشاره کردند. کودکان زمین‌های بایر و کوچه‌های آسفالت را برای بازی و فوتبال انتخاب می‌کنند و قشر نوجوان تقریباً از کمبود فضای ورزشی مناسب برای اوقات فراغت رنج می‌برند.

بافت فرسوده و زمین‌های بایر، نقاط ضعف محله

بافت محله چون کشاورزی بوده، امروز با زمین‌های بایر رها شده زیادی مواجه شده که این روزها محلی برای ریزگردها و آلودگی محیطی است. در کنار زمین‌های بایر، بافت فرسوده هم در محله به خوبی قابل‌رصد است و برخی از بافت‌ها، مناسب محله‌ها نیست. محله باطان پر است از بافت قدیمی؛ چون پیشینه زیادی

دارد. این روزها برخی از خانه‌های مسکونی به بافت قدیمی و فرسوده مبدل شده است و ساختار مناسبی در محله ندارد؛ حتی برخی از منازل مسکونی، وضعیت خطرناکی هم پیدا کرده و شکل و شمایل مناسبی در محله ندارند و تنها با اجرای طرحی مناسب، می‌توان از این حجم از بافت فرسوده کاست. با گسترش شهر و خیابان‌های مجاور محله، در این سال‌ها تلاش شده تا برخی دسترسی‌های جدید برای محله ایجاد شود تا رفت‌وآمد مردم راحت‌تر و سریع‌تر صورت بگیرد. یکی از این دسترسی‌ها، طراحی خیابان شهید رحیمی است؛ اما این خیابان امتداد پیدا نکرده و به‌صورت نیمه‌کاره رها شده است که مردم خواستار تکمیل شدن این خیابان هستند. آسفالت نامناسب خیابان مهدیه و معابر محله با توجه به اینکه فاصله طولانی با جاده اصلی دارند، از دیگر گلایه‌های مردم محله است. در کنار کمبود خدمات شهری در محله باطان، مردم این محله از نداشتن درمانگاه و مرکز درمانی مناسب با توجه به اینکه جمعیت پرتعدادی دارد، گلایه داشتند. خدمات اجتماعی و امکانات بانکی، در محله نیز بسیار محدود است و با توجه به سختی رفت‌وآمد برای مردم به‌ویژه سالمندان، گرفتن خدمات برای افراد مسن بسیار سخت شده است.





مریم نقیان

مسجد مهربانی؛ ایده‌های برای خدمت

روایتی از فعالیت‌های پایگاه بسیج مهدیه به گفته امیر رجبی، فرمانده پایگاه بسیج مهدیه



در گوشه‌ای از شهر اصفهان، محله مهدیه (باطان) با مردمی خون‌گرم و صمیمی، روزگار خود را می‌گذرانند؛ محله‌ای کم‌برخوردار با تراکم جمعیتی بالا که دل‌خوشی‌اش به مسجد المهدی (عج) و پایگاه بسیج مهدیه است؛ جایی که از دل دیوار مهربانی، طرحی متولد شد و حالا به یک قرارگاه مردمی تمام‌عیار تبدیل شده. امیر رجبی، فرمانده پایگاه بسیج مهدیه، مردی که از نوجوانی پایش به این پایگاه باز شده و نزدیک به چند سال است که پرچم خدمت را در این محله بردوش دارد، در گفت‌وگو با «هم‌محله» از سال‌ها تلاش، طرح‌های نوآورانه و همدلی مردم محله می‌گوید؛ روایتی که شنیدنش برای هر اصفهانی خالی از لطف نیست.

از نوجوانی تا فرماندهی؛ سال‌های خدمت در مهدیه

رجبی که حالا فرمانده پایگاه بسیج مهدیه است، با سابقه‌ای بیست‌ساله در این جایگاه، از سال ۱۳۸۵ تاکنون فرماندهی پایگاه را بر عهده دارد. او در رابطه با سال‌ها فعالیت خود بیان می‌کند: پایگاه ما داخل مسجد المهدی (عج) در محله مهدیه واقع شده و الحمدلله در این سال‌ها توانسته‌ایم به برکت حضور مردم و همکاری خوب اعضا، فعالیت‌های چشمگیری داشته باشیم.

سیس با افتخار از دو نوبت انتخاب پایگاهشان به عنوان پایگاه نمونه در کشور یاد می‌کند و می‌گوید: این موفقیت‌ها مرهون زحمات همه اعضاست و از سردار شهید سلامی و نخ‌کوب نیز تقدیرنامه دریافت کردیم که برایمان بسیار ارزشمند بود.

فعالیت‌های فرهنگی؛ محور اصلی پایگاه مهدیه

یکی از ویژگی‌های برجسته پایگاه بسیج مهدیه، توجه ویژه به فعالیت‌های فرهنگی برای نوجوانان و جوانان است. رجبی در این باره توضیح می‌دهد: ما در طول سال به مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی برنامه‌های متنوعی برگزار می‌کنیم. ایام محرم، صفر، فاطمیه و دیگر مناسبت‌های مذهبی همواره با مراسم پرشور همراه است؛ همچنین روزهای ملی کشور را گرامی می‌داریم و تلاش کرده‌ایم برنامه‌هایمان را با رویکردی فرهنگی و تربیتی پیش ببریم.

یکی از برنامه‌های شاخص سالانه پایگاه، «جشن بزرگ خورشید رمضان» است که با استقبال

خوب مردم روبه‌رو می‌شود. در این جشن، ویژه‌برنامه‌های جشن امام حسن (ع) هرساله در مسجد برگزار می‌شود. این طرح با الهام از صحبت‌های رهبر شهید انقلاب شکل گرفت و شامل طرح‌های متنوعی مانند مسجد در خانه، طرح نهج‌البلاغه، طرح خدمت‌رسانی، طرح کودک و مسجد و... بود.

طرح مسجد مهربانی؛ ایده‌ای که دیوار مهربانی را گسترش داد

اما آنچه پایگاه مهدیه را از بسیاری پایگاه‌های دیگر متمایز کرده، طرح ابتکاری «مسجد مهربانی» است. رجبی با ذوق و شوق وصف‌ناپذیری از این طرح سخن می‌گوید: طرح مسجد مهربانی از دیوار مهربانی سرچشمه گرفت. از سال ۱۳۹۶ این طرح را شروع کردیم و ایده اصلی آن خدمت‌رسانی خود اهل محله به یکدیگر است.

او نحوه شکل‌گیری این طرح را این‌گونه روایت می‌کند: افراد محله را که مشاغل مختلفی داشتند ثبت‌نام کردیم؛ مثلاً آرایشگر محله هر ماه چند نفر را به صورت رایگان پیرایش می‌کند، جوشکار محله ماهی یک‌بار جوشکاری رایگان انجام می‌دهد، آزمایشگاه محله نیز هر ماه آزمایش چند نفر را با تخفیف زیاد انجام

می‌دهد. این فقط گوشه‌ای از همکاری مردم است. فرمانده پایگاه بسیج مهدیه با تأکید بر اینکه این خدمات فقط مختص نیازمندان نیست، می‌گوید: خدمت‌رسانی به همه اهالی محله تعلق دارد. البته کمک به نیازمندان در قالب بسته‌های معیشتی و... نیز به صورت جداگانه انجام می‌شود. هر طرح یک‌ساله است؛ از جشن امام حسن (ع) تا جشن امام حسن (ع) سال بعد. اما خوشبختانه طرح مسجد مهربانی برکت زیادی داشت و حالا به صورت ثابت در مسجد اجرا می‌شود. آن‌چنان که رجبی توضیح می‌دهد، یک دفتر ثابت برای این طرح در مغازه‌ای کنار مسجد راه‌اندازی شده و به صورت ۲۴ ساعته پاسخگوی مردم هستند؛ این قرارگاه مثل یک اداره از ساعت پنج عصر تا هشت شب هر روز به مردم خدمت‌رسانی می‌کند. در کنار آن توزیع بسته‌های معیشتی، غذای نذری، درمان، کمک به نیازمندان و... نیز انجام می‌شود.

تعامل و هم‌افزایی؛ رمز موفقیت پایگاه

یکی از نکات کلیدی که این بسیجی بارها به آن اشاره می‌کند، تعامل خوب پایگاه با پایگاه بانوان و هیئت‌انامی مسجد است؛ یکی از نقاط مثبتی که باعث شد پایگاه ما اثرگذار

باشد، همین هماهنگی و هم‌افزایی است. تلاش کردیم با یکدیگر همکاری تنگاتنگی داشته باشیم تا برنامه‌ها به خوبی پیش برود.

فرمانده پایگاه بسیج مهدیه با اشاره به ظرفیت‌های انسانی پایگاه می‌گوید: در حال حاضر ۲۰ نفر عضو فعال نوجوان و جوان و حدود هزار نفر پرونده در پایگاه داریم. این آمار نشان می‌دهد که مردم به پایگاه اعتماد دارند و حضورشان پررنگ است.

او درباره هیئت هفتگی آسمانی‌ها توضیح می‌دهد: این هیئت ۲۲ سال است که فعالیت مستمر دارد و با حضور اساتید و مداحان مطرح شهر اصفهان برگزار می‌شود. در این هیئت، سلسله مباحث روز کشور، تربیت فرزند، حوزه خانواده و... برنامه‌های متنوعی داریم. این پایداری و استمرار نشان از عمق تأثیرگذاری این برنامه‌ها دارد. پایگاه بسیج مهدیه در حوزه هنری نیز فعال است. رجبی با افتخار از گروه سرود «رسای آل یاسین» یاد می‌کند: گروه سرود رسای آل یاسین یکی از گروه‌های سرود فعال در اصفهان است و در سطح شهر شناخته شده‌اند. علاوه بر آن، گروه نمایش فعالی داریم و در حوزه آموزش مداحی نیز فعالیت می‌کنیم؛ همچنین در زمینه تدوین



ما معتقدیم نوجوانان سرمایه‌های اصلی محله و آینده‌سازان این مرزوبوم هستند و باید برنامه‌های ویژه‌ای برایشان داشته باشیم. طرح مسجد مهربانی همچنان ادامه دارد و با قدرت جلو می‌رود. امسال هم از جشن امام‌حسن(ع) تا سال آینده برنامه‌های متنوعی تدارک دیده‌ایم و تلاش می‌کنیم باقوت بیشتری به مردم خدمت کنیم.

محله‌ای که مهربانی را مسجد کرد

آنچه از گفت‌وگو با امیر رجبی برمی‌آید، تصویر یک پایگاه پویا و مردمی است که با تکیه بر ظرفیت‌های خود مردم، توانسته است خدمات گسترده‌ای را در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، امنیتی و هنری به اهالی محله مهدیه ارائه دهد. طرح مسجد مهربانی که از یک ایده ساده آغاز شد، امروز به یک قرارگاه خدمت‌رسانی تمام‌عیار تبدیل شده و الگویی برای سایر محله‌ها شده است.

همدلی و هم‌افزایی میان پایگاه بسیج مهدیه، پایگاه بانوان و هیئت‌انامی مسجد، رمز ماندگاری و اثرگذاری این مجموعه بوده است.

پناه را در اختیار مردم محله قرار دادیم تا آمادگی‌های لازم را داشته باشند. این کار باعث شد مردم احساس امنیت بیشتری کنند و بدانند در مواقع ضروری چه اقداماتی انجام دهند.

چالش‌های محله: کم‌برخورداری و تراکم جمعیت

فرمانده پایگاه بسیج مهدیه با صراحت از چالش‌های محله مهدیه سخن می‌گوید: محله ما یکی از محله‌های کم‌برخوردار است. برخی از امکانات را به دلیل عدم توانایی مالی قرض می‌گیریم. اگر آن امکانات خریداری می‌شد، قطعاً کارها روان‌تر و بهتر پیش می‌رفت؛ با این حال، خدا را شکر همه ارگان‌ها همکاری خوبی با ما دارند و این همکاری باعث شده بسیاری از مشکلات برطرف شود.

طرح مسجد نوجوانانه و تداوم مسیر

رجبی با امیدواری از برنامه‌های آینده پایگاه می‌گوید: امسال طرح مسجد نوجوانانه را برگزار خواهیم کرد. این طرح با هدف جذب بیشتر نوجوانان و پاسخ به نیازهای خاص این گروه سنی طراحی شده است.

فهرست افراد را آماده و برایشان چند جلسه توجیهی برگزار کردیم تا اگر اتفاقی در محله رخ داد، بدانند چگونه واکنش نشان دهند و خدمت‌رسانی کنند؛ همچنین مسجد را برای مواقع اضطراری مهیا کردیم. از ابتدای جنگ، پایگاه مهدیه یک موبک به نام «ایران» تأسیس کرده است. این موبک در آغاز جنگ در ابتدای خیابان واقع بود و اکنون در ورودی مسجد مستقر است. در این موبک برنامه پرچم‌گردانی، پذیرایی و محتوای متفاوت نسبت به مناسبت‌ها برگزار می‌شود. فضای موبک حال‌وهوای خاصی دارد و مردم استقبال خوبی می‌کنند.

جهاد تبیین و رسانه‌های محلی

یکی از حوزه‌های مهم فعالیت پایگاه، جهاد تبیین و اتحاد مردم است. او در این زمینه می‌گوید: در حوزه فضای مجازی، رسانه محله مهدیه را داریم که به صورت مستمر فعال است و ارتباط خوبی با مردم دارد. این رسانه بستری برای اطلاع‌رسانی و انعکاس فعالیت‌های پایگاه و محله است. همچنین طرح پناه را که متعلق به شهرداری بود، در محله اجرا کردیم. به خانه‌های محله به صورت حضوری سر زدیم و بروشورهای

فیلم و کلیپ، کارهای خوبی در حوزه هنری انجام شده است. این فعالیت‌های هنری با هدف جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و پایگاه انجام می‌شود و خوشبختانه استقبال خوبی هم داشته است.

از کرونا تا جنگ

یکی از ویژگی‌های بارز پایگاه مهدیه، حضور به موقع در بحران‌ها و شرایط ویژه است. او در این باره می‌گوید: خدمت‌رسانی به مردم سرلوحه کار ماست. هر زمینه‌ای که مردم به آن نیاز داشته باشند، جزو فعالیت‌های ما قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال در ایام کرونا برای دانش‌آموزانی که مشکلات درسی داشتند، کلاس‌های تقویتی برگزار می‌شد. در ایام جنگ نیز از مدارس دعوت کردیم تا فعالیت‌های علمی و آموزشی خود را در مسجد برگزار کنند. جنگ رمضان به برکت قرارگاه مسجد مهربانی، همه تیمی که برای فعالیت در محله داوطلب شدند، کنار هم قرار گرفتند و طرح همت را اجرا کردیم.

فرمانده پایگاه بسیج مهدیه طرح همت را این‌گونه تشریح می‌کند: طرح همت یعنی سرچشمه گرفتن از افرادی که در زمینه‌های مختلف بتوانند به مردم خدمت‌رسانی کنند.

هنرمندی در دل یک مغازه کوچک

زینلی، هنرمند قلم‌زن باطان، از غربت این روزهای هنرش می‌گوید



خودش در این محله مردم رهگذر و البته هم‌محله‌ای‌ها با صدای چکش او آشنا هستند و هنر دستش را که قلم‌زنی ظروف مختلف است دیده‌اند. در این سال‌ها تلاش کرده تا بتواند بهترین اثرها را تولید کنند. زینلی هنرمندی است که به سفارش صاحب‌کار و برای بازار، کار تولید می‌کند.

اوضاع هنرمندان قلم‌زنی خوش نیست

این هنرمند محله باطان از اوضاع این روزها اصلاً راضی نبود و شغل قلم‌زنی و هنرمندان این عرصه را در معرض نابودی می‌دید. او گفت: «تا سال ۸۲ اوضاع هنر و قلم‌زنی خوب بود؛ اما مرتب بازار دچار نوسان می‌شد. با شروع جنگ وضع ما خیلی بد شد و با تورم در قیمت فلزها، سفارش‌ها خیلی کم شده است. البته برخی هنوز برای سرمایه‌گذاری نقره سفارش می‌دهند؛ اما در کل استقبال از ظروف قلم‌زنی کم شده.»

داخل شلوغی‌های خیابان مهدیه، در یک مغازه باز بود. برق قطع شده بود و کسی داخل مغازه نبود؛ اما میز چوبی که روی آن قلم‌های فلزی متفاوتی چیده شده بود، نشان از آن داشت که یک هنرمند داخل این مغازه کار می‌کند. وسایلش و ابزار کارش نشان از هنر قلم‌زنی می‌داد. کمی سر چرخاندم و صاحب مغازه خودش را به ما رساند. وقتی به ما رسید، پرسیدم شما قلم‌زن هستید؟ مرد با تعجب گفت: «بله، امری داشتید؟» از او خواستم تا درباره شغلش بگوید؛ اما تمایلی نشان نداد. گفت: «به چه درد می‌خورد درباره شغل من بدانید؟ من قلم‌زن هستم دیگر!»

از شاگردی به استادی رسیدم

شروع کردم به توضیح دادن که قرار است در ویژه‌نامه محله باطان از افراد مشهور محله بگوییم که هنرمندها هم جزو



زهره سادات کاظمی



منیره فراهی

مهدیه آمد؛ اما بابا نرسید!

گفت و گو با همسر محمد همتی، شهید اغتشاشات دی ماه



گاهی یک زندگی، پیش از آنکه فرصت کند قد بکشد، در چند قاب کوتاه خلاصه می شود؛ چند دیدار، چند خاطره، یک عقد و رؤیای ساختن خانه ای که قرار بود پر از صدای خنده باشد. اما برای محمد همتی و همسرش، سرنوشت روایت دیگری نوشت؛ روایتی که یک سوی آن شهادت بود و سوی دیگری تولد دختری که تنها چند ساعت پس از شهادت پدر، چشم به جهان گشود؛ دختری به نام مهدیه که بابای قهرمانش را ندید و گرمای وجودش را هرگز حس نکرد. محمد همتی، ستوان سوم و از نیروهای یگان ویژه بود که در جریان اغتشاشات دی ماه، برای انجام وظیفه، دفاع از مردم و امنیت کشور در میدان حاضر شد؛ اما حمله وحشیانه تروریست های داعشی او و سه نفر دیگر از همکارانش را به شکلی بی رحمانه در میدان علیخانی به شهادت رساند. چهار مرد، چهار خانواده و چهار روایت ناتمام...

حالا خانم علی محمدی، همسر جوان شهید همتی، از روزهای کوتاه زندگی مشترک، از نخستین دیدار و از شبی می گوید که هم زمان با درد زایمان، چشم انتظار بازگشت همسرش بود؛ غافل از اینکه او دیگر باز نخواهد گشت. شونده صحبت های او می شویم.

آشنایی؛ قصه ای که از دو مادر آغاز شد

محمدجان متولد شهریور سال ۱۳۷۹ بود. ما سال ۱۴۰۲ عقد کردیم. آن زمان که برای اولین بار با هم آشنا شدیم، من ۱۶ ساله بودم و او ۲۲ سال داشت. این آشنایی از دوستی قدیمی مادرهایمان شکل گرفت؛ آن ها از سال ها قبل یکدیگر را می شناختند و همین دوستی، زمینه آشنایی دو خانواده را فراهم کرد. سخت بود که با آن سن کم، مسئولیت زندگی را به دوش بکشیم؛ اما با امید به خدا و کمک هم توانستیم زندگی خوبی بسازیم؛ یک زندگی که با وجود کوتاه بودن، خاطرات فراموش نشدنی زیادی برایمان داشت.

اولین دیدار برایم پر از استرس بود

اولین دفعه ای که می خواستیم با هم صحبت کنیم، خیلی استرس داشتم. اصلاً محمدجان را ندیده بودم و با خودم فکر می کردم یک فرد نظامی حتماً اخلاق خاصی دارد؛ اما صحبت های او در همان دیدار نخست، بخش زیادی از نگرانی من را از بین برد. محمدجان گفت: «من دوست ندارم زندگی و کارم با هم یکی باشد. از دروغ خیلی بدم می آید. گفت نذر کرده ام و از خدا و حضرت ابوالفضل (ع) خواسته ام با یک دختر مؤمن، باحجاب و باحیا ازدواج کنم.» وقتی این حرف ها را زد، خیلی دلگرم شدم و استرسم خیلی کمتر شد. وقتی برای خواستگاری آمدند، من کلاس هشتم بودم. بعد از تمام کردن نهم، عروسی کردیم و یک زندگی عاشقانه شروع شد. قسمت نشد زندگی مان ادامه داشته باشد؛ اما در همین مدت کوتاه هم خاطرات خوبی برایم ماند. (صحبتمان که به اینجا می رسد، صدای گریه مهدیه هشت ماهه بلند می شود. مهدیه، یادگار

موافقت کردم. محمدجان همیشه موقع زیارت، آرام تر از همیشه بود. بعد از نماز، کنار هم در صحن نشستیم؛ گفتیم: «این سفر هیچ وقت از یادم نمی رود.» لبخند زد و گفت: «مهم این است که هر جا می رویم، خدا را فراموش نکنیم.» مدتی همان جا نشستیم؛ نه عجله ای داشتیم، نه حرف زیادی می زدیم. سکوت آن لحظه، خودش برایم قشنگ ترین خاطره شد. از حرم که بیرون آمدیم، محمدجان گفت: «ان شاء الله سال بعد با ثمره عشقمان دوباره می آییم؛ اول مشهد، بعد قم.» من با خنده گفتم: «پس این می شود رسم سفرهای ما.» آن روز، نمی دانستم آن سفر، اولین و ماندگارترین خاطره مشترک زندگیمان خواهد شد.

آخرین جشن دوفره

شب قبل از شهادت، روز پدر بود و من برای محمدجان جشن گرفتم. رفتارش اما با بقیه روزها تفاوت داشت. چند روزی بود اغتشاشات شروع شده بود. به خاطر وضعیت حاملگی من سعی می کرد زود بیاید؛ ولی زودش می شد ساعت ۱۲ شب. آن شب هم ساعت ۱۲ بود که رسید. ماه های آخر حاملگی را سپری می کردم و دکتر برایم استراحت مطلق نوشته بود؛ ولی دلم می خواست هر طوری شده جشن روز پدر را برای شوهرم بگیرم. کیک، کادو و تزیینات، همه را انجام دادم. ساعت ۱۲ شب بود که آمد. مثل همیشه شاد نبود. ساکت بود و توی فکر. نه می شد بگویم خوشحال است و نه ناراحت. علت را که پرسیدم جوابش تنها یک لبخند بود. انگار به او الهام شده بود که قرار است شهید شود.

روز هجدهم دی ماه بود و کمی درد داشتم. رفتم بیمارستان. قرار بود محمدجان ساعت ۲ ظهر برود سرکار؛ ولی هنوز برنگشته بودم که تماس گرفت و گفت فراخوان داده اند و باید ساعت ۱۱ بروم. دیرش می شد. نتوانست برای آمدنم صبر کند. بدون اینکه هم را ببینیم

با او حرف می زد. پر بود از آرزوهای بزرگ و کوچک برای دخترمان. وقتی از سر کار می آمد با اینکه خسته بود دوباره می رفت سر کار. اسنپ کار می کرد. می گفت ما الان دو نفریم، بچه که بیاید مخارجمان بیشتر می شود. همیشه کمکم بود و به فکر راحتی خانواده اش.

اولین سفر مشترکمان مشهد بود

محمدجان از همان اول گفت: «دوست دارم زندگی مان را با زیارت امام رضا (ع) شروع کنیم.» در راه برگشت، پیشنهاد داد که برویم قم برای زیارت حضرت معصومه (س). من هم از اینکه سفرمان اینطوری کامل می شد، با لبخندی

بابا! با جانم گفتن مادرش آرام می گیرد؛ دختری که قرار است انیس و مونس مادرش باشد.)

همیشه به فکر راحتی خانواده اش بود

درس را رها کردم و عروسی کردیم. قبل از به دنیا آمدن مهدیه، اسمش را انتخاب کرده بودیم. چند اسم نوشتیم و گذاشتیم بین برگه های قرآن و بعد یکی را برداشتیم و آن مهدیه بود. خیلی برای به دنیا آمدن مهدیه لحظه شماری می کرد. برایش خیلی آرزوها داشت. مرتب می گفت برایش این کار را می کنم، برایش آن کار را می کنم. طوری بزرگش می کنیم که توی دنیا تک باشد؛ حتی از دوچرخه سواری



پسر ارشد پشتیبان پدر و مادر است. نه تنها من، با شهادت محمدجان، کمر پدر و مادرش هم شکست.

حیف که قسمت نشد فقط یک لحظه مهدیه را ببیند

در این چند ماه بارداری باید استراحت می‌کردم و همه کارها را محمدجان انجام می‌داد. می‌گفت شما دوتا استراحت کنید؛ مهم سلامتی شماست. خیلی دوست داشت خودش من را برای زایمان بیمارستان ببرد و اولین کسی باشد که خبر به دنیا آمدن بچه را می‌شنود. حیف که قسمت نشد فقط یک لحظه مهدیه را ببیند و او را در آغوش بگیرد!

کسی داخل اتاق می‌شد، فکر می‌کردم همسرم است. از چشمان گریان یکی از نزدیکان محمدجان فهمیدم که دیگر نباید منتظرش باشم. از اینجای صحبت بغض‌ها هم نمی‌توانند سختی داغ نبودنش را تحمل کنند و با قطرات اشک راهی برای فرار پیدا می‌کنند. هر قطره اشک فریادی می‌شود برای صدای مظلومیتی که یک دختر را بی‌پدر، یک زن را بی‌همسر و یک خانواده را بی‌پسر کرد. با همان صدای لرزان که قلب هر انسانی را از جا می‌کند، ادامه می‌دهد و می‌گوید: تا حالا که هشت ماه گذشته است، هنوز باور نکرده‌ام محمدجان دیگر نمی‌آید. هنوز چشمم به در است که برگردد....

بی‌خبری از محمدجان به بیمارستان رفتم. خط‌ها قطع شده بود و امکان برقراری تماس نبود. بی‌خبری از او بدتر از دردهایم بود. ساعت ۵ صبح مهدیه به دنیا آمد و من هنوز چشم به راهش بودم. چشمم به در بود که خبری از او بیاید؛ اما تا ۵ بعدازظهر هیچ خبری نشد.

هنوز چشمم به در است که برگردد

گوشی‌اش خاموش بود. با دوستانشان تماس گرفتم. می‌دانستند شهید شده؛ ولی به من چیزی نمی‌گفتند. من دنبال خبری از او بودم. بی‌خبر از اینکه چند ساعت قبل از به دنیا آمدن دخترمان شهید شده است. هر

رفت. برای همیشه رفت.... هیچ وقت دل نگرانم نمی‌گذاشت. تا می‌رسید سرکار و هر وقت فرصت می‌کرد با من تماس می‌گرفت؛ اما آن روز فقط رسیدنش را خبر داد. عصر مجبور شدم بار دیگر به بیمارستان بروم و برگردم. ساعت نزدیک ۵ بعدازظهر بود. در راه برگشت تماس گرفتم. تا فهمید بیرون از منزلم، خواست که زود بروم خانه. گفت که خیابان‌ها شلوغ است. این را که گفت، تن و بدنم لرزید. خیلی نگران شدم. هر چه تماس گرفتم دیگر برقرار نشد. ساعت ۷:۳۰ با پدرش تماس گرفته بود که نگران نشویم. استرس هم مثل درد‌هایم زیاد شده بود. نمی‌دانستم این استرس به خاطر زایمان است یا نیامدن محمدجان. دوباره در

پهلوانان باطن در انتظار گود زورخانه

پهلوان مصطفی امینی، مربی و قهرمان کشوری ورزش‌های پهلوانی، از آرزوی دیرینه ورزشکاران این رشته در محله می‌گوید

تغییر کرده‌اند. پدر و مادرها می‌گویند که بچه‌ها اخلاقتان خیلی عوض شده و نسبت به آن‌ها و معلم‌ها و هم‌کلاسی‌هایشان بسیار آرام‌تر از قبل شده‌اند و احترام بیشتری می‌گذارند.»

به اعتقاد این ورزشکار محله باطن، انجام ورزش پهلوانی در فضای باز می‌تواند تأثیر چشمگیری در جذب نوجوانان و جوانان به این ورزش داشته باشد؛ «اگر این ورزش با تمام آداب و رسومش در فضای باز انجام شود، خانواده‌ها می‌توانند با دیدن حرکات و آداب ورزش پهلوانی فرزندانشان را برای آمدن به این ورزش ترغیب کنند؛ همچنین وجود ورزشگاهی که امکانات لازم را داشته باشد، در جذب نوجوانان و جوانان محله بسیار مؤثر است.»

کمبودهایی که محله را عقب نگه داشته

کمبودهای امکانات ورزشی در برخی محله‌ها، یکی از مسائلی که ورزشکاران به آن اشاره می‌کنند و پهلوان امینی هم از این قاعده مستثنا نیست: «اولین مشکلی که ما در محله باطن داریم نبود سالن ورزشی است. ده سال است که درخواست خود را به شهرداری و استانداری ارائه کرده‌ایم و حتی بزرگان محله مراجعه کرده‌اند؛ ولی توجهی نکرده‌اند. مشکل بعد کمبود فضای سبز و نداشتن پارک خوبی است که بچه‌ها بتوانند در آن بازی کنند و اوقات فراغتشان را بگذرانند. کتابخانه و سالن مطالعه هم در همه محله‌های اطراف باطن هست؛ اما این محله از آن محروم است. با اینکه در باطن زمین‌های بایر زیادی وجود دارد، متأسفانه رسیدگی در این زمینه بسیار کم است.» تکمیل نشدن خیابان مهدیه و مشکلاتی در آن وجود دارد، مسئله دیگری است که او به آن اشاره می‌کند.

در انتظار زورخانه

در محله باطن سال‌هاست زمینی برای ساخت ورزشگاه توسط پهلوان صادقی و برادرانش گودبرداری شده؛ اما در پروسه طولانی اداری گیر افتاده و تاکنون ساخته نشده است. در حال حاضر یک سالن شخصی در محله وجود دارد که متعلق به پدر پهلوان صادقی بوده که شب‌های یکشنبه ورزش و چهارشنبه‌بها آموزش در آن انجام می‌شود. این سالن که با همت پهلوان صادقی دارای امکانات شده مشکلی دارد و آن، اینکه چون منزل شخصی است، گودی را که مختص ورزش باستانی و پهلوانی است ندارد و این موضوع جذابیت ورزش در گود زورخانه را برای مشتاقان کم کرده است.



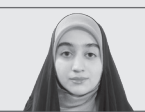
آموزش ورزش‌های پهلوانی برگزار می‌کند.

ورود به مسیر پهلوانی

او که سی سالی می‌شود ساکن باطن است، از خاطرات سال‌های حضورش در زورخانه می‌گوید: از روزهایی که با شور و اشتیاق وارد گود شد و کم‌کم ورزش پهلوانی شد بخش مهمی از زندگی‌اش؛ «از سال ۱۳۸۰ که پهلوان حسین و حاج مرشد علی صادقی ورزش پهلوانی را به محله آوردند، با حرف‌های شان درباره منش پهلوانی و رفتارشان من را جذب این رشته کردند و از همین سال ورزش را شروع کردم و تا امروز زیر نظر پهلوان صادقی بوده‌ام. آن زمان هیچ مکانی برای ورزش نبود و بعد پهلوان صادقی و حاج مرشد علی سالی تهیه کردند در زمین شماره ۸ و ما ورزش را در فضای باز انجام می‌دادیم. حالا این سالن متروکه شده و قابل استفاده نیست.» حدود ۹ ماه بعد سالن سرپشته‌ای تهیه می‌شود که بچه‌های محله با کمک هم گکش را آماده می‌کنند و ورزشکاران و علاقه‌مندان به این مکان می‌آیند. استقبال بسیار زیاد می‌شود؛ به طوری که رأس ساعت ۸ عصر کسی در خیابان دیده نمی‌شود و همه برای دیدن ورزش پهلوانی و ورزشکارانش در سالن جمع می‌شوند. به این ترتیب سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴ آغاز جدی ورزش پهلوانی در محله باطن می‌شود که بانی این کار پهلوان حسین صادقی بوده. این پهلوان محله باطن تفاوت این ورزش با سایر ورزش‌ها را تقویت روح و جسم به طور همزمان می‌داند و می‌گوید: «در ورزش پهلوانی جسم و روح با هم ورزیده می‌شوند؛ اما

اگر سن و سال‌تان قد بدهد و سریال پهلوانان نمی‌میرند را دیده باشید، حتماً با رسم و رسوم پهلوانی و آیین زورخانه آشنا شده‌اید؛ ورزشی که در کنار پرورش جسم، بر ارزش‌هایی مانند جوانمردی، اخلاق، احترام و کمک به دیگران تأکید دارد. وسایلی که در این ورزش استفاده می‌شود هرکدام نمادی هستند از آیین جنگ و مرامی که در آن وجود دارد: سنگ نماد سپر، میل نماد گرز و تخته شنا نماد شمشیر است. کبابه نماد تیروکمان و ضرب نماد دلی است که در جنگ نواخته می‌شده و مرشد نماد کسی است که دستور جنگ را می‌داده و به قول امروزی‌ها سردار بوده. در محله باطن این میراث کهن ایرانی همچنان زنده است و صدای ضرب مرشد و چرخیدن میل‌ها و کبابه‌ها در فضای زورخانه، روایتگر فرهنگی است که پهلوانی را در کنار انسانیت معنا می‌کند.

مصطفی امینی، یکی از ورزشکاران ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای این محله است که سال‌ها با علاقه و پشتکار در این رشته فعالیت دارد؛ ورزشکاری که حضور در گود زورخانه را تنها راهی برای تقویت جسم نمی‌داند و معتقد است این ورزش می‌تواند مدرسه‌ای برای آموختن اخلاق و منش پهلوانی باشد. او متولد ۱۳۷۱ است و در کنار کارش که تعمیرات موتورسیکلت است، مربیگری این ورزش را در محله انجام می‌دهد و معلمی است برای تازه‌کارهایی که می‌خواهند راه و رسم جوانمردی را بیاموزند. امینی از سال ۱۳۸۹ که در مسیر مربیگری قدم گذاشته و حکم آن را گرفته، تا امروز هرشب کلاس‌هایی را در سطح شهر برای



مریم نقیان

مسجد نوجوان پرور

گفت‌وگو با داود جوهری، مسئول طرح تابستانه «مسجد نوجوانانه»



تابستان برای بسیاری از مساجد، فصل اجرای طرح‌های اوقات فراغت است؛ اما در مسجد المهدی (عج) محله مهدیه (باطان) اصفهان، این فصل فرصتی برای تحقق یک ایده نو شده: «مسجد نوجوانانه»؛ طرحی که در آن نوجوان نه یک مخاطب صرف، بلکه یکی از سازندگان مسجد محسوب می‌شود. به بهانه آغاز این طرح، گفت‌وگویی با داود جوهری، مسئول اجرای آن داشته‌ایم تا از اهداف، برنامه‌ها و مسیر پیش روی این حرکت فرهنگی تربیتی بیشتر بدانیم.

مراحل سه‌گانه؛ از جذب تا به‌کارگیری

مسئول طرح تابستانه مسجد نوجوانانه در ابتدای سخن از فلسفه شکل‌گیری این طرح گفت: هدف اصلی ما از انتخاب اسم «مسجد نوجوانانه»، برقراری ارتباط واقعی و مستمر با نوجوانان و ایجاد فضایی جذاب برای آن‌هاست. ما اعتقاد داریم اگر نوجوان بخواهد ارتباط خوبی با مسجد برقرار کند، باید احساس تعلق و نقش‌آفرینی‌اش از داخل مسجد باشد؛ نه اینکه صرفاً به‌عنوان یک مخاطب در برنامه‌ها شرکت کند. جوهری با اشاره به ساختار این طرح افزود: طرح ما سه مرحله دارد: جذب، تشویق و به‌کارگیری. معمولاً در ابتدای تابستان با مرحله جذب کار خود را آغاز می‌کنیم. پس از ایام تابستان، آزمون‌هایی از شرکت‌کنندگان گرفته می‌شود و بعد به مرحله تثبیت می‌رسند. هدف ما این است که نوجوانان مسئولیت‌پذیری یاد بگیرند و محیط مسجد به این صورت نباشد که به محل برگزاری مراسم تبدیل شود؛ بلکه باید مسجد را به یک محیط زنده، جذاب و اثرگذار برای نوجوانان تبدیل کنیم.

از بازی تا زندگی

یکی از شاخص‌های اصلی این طرح، توجه به فعالیت‌های گروهی و مهارت‌آموزی عملی است. این فعال فرهنگی در این باره توضیح داد: تلاش کردیم فعالیت‌های گروهی را در برنامه‌های خود داشته باشیم؛ به‌عنوان مثال، یکی از کارگاه‌های ما «کارگاه بازی و زندگی» است. در این کارگاه با یکی از اساتیدی که سال‌ها در حوزه نوجوان فعالیت می‌کنند، در خدمت نوجوانان هستیم و کلاس را از یک برنامه صرفاً سرگرم‌کننده به یک فرصت تربیتی تبدیل می‌کنیم تا نوجوانان برخی از مهارت‌های زندگی را به‌صورت عملی یاد بگیرند؛ مهارت‌هایی مانند آداب معاشرت،

رفت‌وآمد و رعایت نکات اخلاقی.

برنامه‌های متنوع برای گروه‌های سنی مختلف

مسئول طرح تابستانه مسجد نوجوانانه درباره تقسیم‌بندی سنی برنامه‌ها اظهار کرد: بچه‌ها را در دو گروه سنی شامل دانش‌آموزان دوم تا پنجم دبستان و پنجم تا هشتم تقسیم‌بندی کردیم و هر کدام از این دو گروه در یک تیم خاص برنامه دارند. یکی از برنامه‌های ما «در محضر قرآن» است. در این کلاس تلاش کردیم روخوانی، صوت و لحن قرآن را با آن‌ها کار کنیم و در کنار آن، مصادیق را به‌صورت عملی یاد بگیرند.

ارتباط با خانواده و مدارس در ادامه مسیر

جوهری به حلقه ارتباطی این طرح با خانواده‌ها اشاره کرد و گفت: در طرح مسجد نوجوانانه، هر دو هفته یک‌بار با خانواده‌های بچه‌ها در ارتباط هستیم و جلسات مخصوص والدین را برگزار می‌کنیم تا از طرح بازخورد داشته باشیم و والدین هم بتوانند چالش‌های موجود را بیان کنند. با شروع مدارس نیز این حلقه قرار است وسیع‌تر شود و ارتباط با دانش‌آموزان را از طریق مدارس داشته باشیم تا پس از مرحله تثبیت، خودشان سفیران ما در مدارسشان شوند.

از تماشای تا فعال؛ رویکردی در ورزش و هنر

یکی از چالش‌های مهم در جذب نوجوانان، تبدیل آن‌ها از حالت تماشایی به نقش فعال است. او در این زمینه خاطرنشان کرد: برخی از بچه‌ها به تعدادی از رشته‌های ورزشی و بازی‌ها علاقه داشتند؛ اما فقط تماشاچی بودند. تلاش کردیم برای مهارت و آموزش برخی از رشته‌های ورزشی برنامه داشته باشیم تا آن‌ها از حالت تماشاچی خارج شوند و به یادگیری آن رشته بپردازند. همچنین یک مجموعه بازی برای بچه‌ها داریم که مربی محور است و با حضور و ارتباط قوی با مربی برنامه انجام می‌شود.

یک گروه تئاتر و سرود به نام گروه هنری «رسای آل یاسین» راه‌اندازی کردیم تا نوجوانان علاوه بر آموزش و تولید محتوا، فرصت اجرای برنامه را در میدان‌ها و موبک‌های سطح شهر داشته باشند.

بیان جذاب مفاهیم اعتقادی و اخلاقی

مسئول طرح تابستانه مسجد نوجوانانه در ادامه به چالش بیان مسائل اعتقادی برای نوجوانان امروز اشاره کرد و گفت: در مسائل اعتقادی و اخلاقی خیلی نمی‌توان با نوجوان امروز به‌صورت صریح گفت‌وگو کرد؛ به همین دلیل به‌دنبال یک ساختار عملی رفتیم و کلاس را برنامه‌ریزی کردیم با عنوان «از فرجه تا کهکشان راه شیری». در این کلاس، مباحث اعتقادی، به‌خصوص

موضوع اصول دین، با بیانی جذاب و به‌صورت عملی برای نوجوانان گفته می‌شود. جوهری درباره برنامه دیگر این طرح افزود: در برنامه «اخلاق و احکام شکلاتی»، به مسائلی که در رابطه با احکام نوجوانان در امور مختلف است، پرداخته می‌شود. بچه‌ها در این بخش در یک شاکله نورانی با موضوع خودشناسی، تأثیر باورها و شخصیت انسان بر رفتارشان و انتخاب‌هایی که می‌تواند داشته باشد آشنا می‌شوند تا شخصیت نوجوانان را رشد و تعالی دهیم.

«مسجد نوجوانانه» در مسجد المهدی (عج) محله مهدیه (باطان) اصفهان، تلاشی است برای شکستن کلیشه‌های سنتی از مسجد و تبدیل آن به یک پایگاه زنده، پویا و اثرگذار برای نسل نوجوان. این طرح با تکیه بر مراحل جذب، تشویق و به‌کارگیری، سعی دارد نوجوانان را از جایگاه یک مخاطب منفعل خارج کرده و آن‌ها را به نقش‌آفرینی فعال در عرصه مسجد تبدیل کند.



از صحرا تا پردیس

پهنه‌های باطن و سودان به فضا‌های مدرن و کاربردی تبدیل می‌شوند



منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان با اجرای بسته پرواز، تحولی بنیادین را تجربه می‌کند. تمرکز این برنامه بر توسعه متوازن، ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود کیفیت زندگی شهروندان قرار گرفته و پروژه‌ها با هدف کاهش فاصله تاریخی این منطقه با سایر بخش‌های شهر و ایجاد محیطی زیست‌پذیر و پاسخگو دنبال می‌شوند. زیرساخت‌های عمرانی شامل بهسازی معابر، نصب روشنایی مناسب، سامان‌دهی مسیرهای پیاده و فضای سبز، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که علاوه بر روان‌سازی ترافیک، دسترسی شهروندان به خدمات شهری، رفاه عمومی و امنیت محیطی را افزایش دهند. این اقدامات، تجربه زندگی روزمره در محله‌های کم‌برخوردار را بهبود می‌بخشد. توسعه فضای سبز و محیط‌های تفریحی از دیگر محورهای کلیدی بسته پرواز است. ایجاد پارک‌های کوچک و بزرگ، نصب تجهیزات بازی و آموزشی و استفاده از سیستم‌های آبیاری هوشمند و کم‌مصرف، علاوه بر کاهش آلودگی هوا، حس تعلق و مشارکت شهروندان را در مدیریت محله تقویت می‌کند و تعامل اجتماعی را افزایش می‌دهد. محله محوری و مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها، بخش مهمی از این رویکرد است. نشست‌های دوره‌ای با اهالی، شوراهای محلی و نخبگان اجتماعی موجب اولویت‌بندی واقعی نیازها و تصمیم‌گیری مبتنی بر تجربه زیسته شهروندان شده و اعتماد عمومی به مدیریت شهری در منطقه ۱۴ افزایش یافته است. پروژه‌های خدماتی و فرهنگی، از جمله احداث مراکز آموزشی، فرهنگی و ورزشی، تقویت شبکه حمل‌ونقل محله‌ای و ارتقای دسترسی به خدمات سلامت و رفاه، به شکاف‌های توسعه‌ای پاسخ می‌دهند و فرصت‌های برابر برای رشد اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کنند. این اقدامات، عدالت مکانی را در منطقه نهادینه می‌سازند. مدیریت منابع و برنامه‌ریزی دقیق موجب شده است پروژه‌های نیمه‌تمام به سرعت تکمیل شوند و بهره‌وری مالی افزایش پیدا کند. استفاده از نوآوری‌های فنی و مصالح نوین، اجرای پروژه‌ها را تسریع کرده و نتایج ملموس و قابل‌مشاهده برای شهروندان به همراه داشته است. این رویکرد، اعتماد عمومی به بسته پرواز را تقویت کرده است.

سرمایه‌گذاری هدفمند و نگاه عدالت‌محور در منطقه ۱۴

در مجموع، بسته پرواز در منطقه ۱۴ با سرمایه‌گذاری هدفمند و نگاه عدالت‌محور، علاوه بر عمران شهری، محیط‌زیست و خدمات اجتماعی، الگویی از توسعه پایدار محله‌محور و پاسخگو را شکل داده و تجربه‌ای تازه از زندگی شهری متوازن و انسانی ارائه می‌دهد. محمدمهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان با اشاره به وضعیت پیشین منطقه می‌گوید: «دو پهنه خاکی و به روایت دیگر دو صحرای ۳۰ هکتاری که سال‌ها به‌صورت لکه‌های خاکی، موجب آزار اهالی منطقه شده بود، در منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان داشتیم. این مناطق دیگر قابل کشاورزی نبود و با وجود داشتن کاربری و سند پهنه‌بندی، هیچ اقدام

مؤثری در آن‌ها انجام نشده بود؛ بنابراین برنامه‌ریزی کردیم تا مشکلات پهنه‌های سودان و باتان را رفع کنیم.»

صحرای سودان؛ از لکه خاکی تا پردیس تفریحی، فرهنگی و ورزشی

او درباره صحرای سودان توضیح می‌دهد: «در صحرای سودان، به دلیل همجواری با محله‌های پرتراکم همچون خیابان عمان سامانی که پرتراکم‌ترین خیابان اصفهان و کشور با تراکم ۲۰۸ نفر بر هکتار است، تصمیم گرفتیم یک پردیس تفریحی، فرهنگی و ورزشی طراحی کنیم. هدف این بود که محله پرتراکم به یک پردیس ۴۰۵ هکتاری متصل شود.» کریمی جزئیات این پردیس را این‌گونه شرح می‌دهد: «در این پردیس فضای سبز، فرهنگ‌سرا، مسجد، تئاتر روباز، محل بازی کودکان، فضاهای خانوادگی، محل حرکت درمانی، پیاده‌راه و دیگر امکانات در نظر گرفته شده است.» مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان درباره روند اجرای پروژه می‌گوید: «از سال ۱۴۰۸ با مبلغی بالغ بر ۳۵ میلیارد تومان عملیات تملک و آزادسازی را آغاز کردیم و در سال جاری نیز ۱۰۰ میلیارد تومان برای توسعه لندسکیپ، خیابان‌ها و معابر اختصاص داده شد.» کریمی خبر می‌دهد: «خبر خوش برای مردم این است که بیش از ۴۰ پروژه در حال انجام است و در زمستان سال جاری فضای سبز این پردیس تکمیل خواهد شد. این اقدام موجب تفکیک و پروانه‌دار شدن زمین‌ها می‌شود که به رونق ساخت‌وساز منطقه کمک می‌کند و دیگر این لکه خاکی مردم را آزار نمی‌دهد.»

صحرای باطن؛ جاده‌ای که سرنوشت یک منطقه را تغییر می‌دهد

مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان تصریح می‌کند: «درباره صحرای باطن نیز مشکل مشابهی وجود داشت. هنگامی که شهرهای جدید توسعه پیدا می‌کنند، ابتدا خیابان‌ها و معابر بلوک‌بندی می‌شود؛ اما در این صحرا با وجود اینکه زمین‌ها کاربری مسکونی یا تجاری داشتند، راه دسترسی وجود نداشت و امکان خرید و فروش

یا ساخت‌وساز فراهم نبود.» کریمی راه‌حل این مشکل را این‌گونه تشریح می‌کند: «برای رفع این مشکل یک جاده اصلی در صحرای باتان تعریف کردیم که به طول ۲۰۵ کیلومتر و عرض ۲۰ متر، به‌صورت دو بانده طراحی شده است. این جاده از مادی ارزنان آغاز می‌شود و به خیابان مهدیه، خیابان بعثت و جاده عاشق اصفهانی غربی متصل می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «هزینه آزادسازی این مسیر نزدیک به ۱۴۰ میلیارد تومان بود و اجرای آن نیز تاکنون حدود ۴۰ میلیارد تومان هزینه داشته است. این پروژه در دوماه آینده تکمیل و تحویل خواهد شد. این اقدامات موجب می‌شود که دیگر این مناطق به‌صورت صحرا باقی نماند و مردم بتوانند زمین‌ها را معامله کنند و ساخت‌وساز انجام دهند؛ بنابراین طی دو سال آینده این مناطق تغییر اساسی خواهد کرد.»

ورزشگاه چندمنظوره و خیابان آیت‌الله غفاری؛ پروژه‌های شاخص دیگر

مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان با اشاره به دیگر پروژه‌های مهم سال جاری می‌گوید: «از دیگر پروژه‌های مهم سال جاری، احداث یک ورزشگاه چندمنظوره شامل سالن ورزشی توپ و رزمی، زمین چمن مصنوعی استاندارد، زمین فوتبال هاردکورت، زمین هندبال آسفالت و یک مجموعه ۲۶ هزار متری در حصار است.» کریمی درباره منابع مالی این پروژه‌ها می‌گوید: «این پروژه‌ها از بودجه سکونت‌های غیررسمی و مسئولیت‌های اجتماعی معادن و زیرمجموعه انرژی اتمی تأمین شده و بهره‌برداری از آن‌ها تمام شهر را منتفع خواهد کرد.» او از طرح دیگری هم رونمایی می‌کند: «طرح دیگری که در دستور کار قرار دارد، سامان‌دهی خیابان آیت‌الله غفاری حدفاصل میدان لاله تا پس از حرم است. هدف این طرح تبدیل این خیابان به یکی از زیباترین خیابان‌های اصفهان همچون چهارباغ است. تمام محله‌های اطراف این خیابان با این پروژه سامان‌دهی خواهد شد. برنامه‌ریزی‌ها برای زیباسازی، نورپردازی، آرایش شهری و حذف نازیبایی‌ها انجام شده است و مبلغ قابل‌توجهی برای اجرای آن در سال آینده اختصاص

داده‌ایم.»

امیدآفرینی در منطقه ۱۴ با پروژه بزرگراه شهیدرئیس

مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان با اشاره به اجرای پروژه بزرگراه شهید رئیس خاطرنشان می‌کند: «اجرای این پروژه، نمادی از عزم راسخ مدیریت شهری برای خدمت‌رسانی به مردم است. ما با تکیه بر توان داخلی، پاسخی عملی به تلاش‌های دشمن برای یأس‌آفرینی در جامعه داده‌ایم و مسیر توسعه و پویایی منطقه را با قدرت هموار کرده‌ایم.»

کریمی ادامه می‌دهد: «شرایط امروز کشور شرایطی بسیار خاص است. در موقعیتی که نقطه هدف جریان استکبار و صهیونیسم جهانی ناامیدکردن مردم است، اجرای پروژه‌های بزرگ زیرساختی نظیر پروژه شهید خدمت، آیت‌الله رئیس که در سطحی بسیار عالی و شاخص اجرا می‌شود، موجب امیدآفرینی در جامعه خواهد شد.» او می‌افزاید: «مردم به خوبی مشاهده می‌کنند که نظام مقدس جمهوری اسلامی حتی زیر آتش حملات ناجوانمردانه دشمن نیز پروژه‌های عمرانی و مسیر خدمت‌رسانی را متوقف نکرده است. همین امر سبب تحقق امیدآفرینی مدنظر رهبر معظم انقلاب و تسری آن در فضای عمومی جامعه می‌شود.»

مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان می‌گوید: «بسیاری از پروژه‌هایی که هم‌اکنون در حوزه مدیریت شهری کلنگ‌زنی شده یا به مرحله بهره‌برداری می‌رسد، گواهی روشن بر این حقیقت است که با یک عزم جدی، اراده‌ای فولادین و تکیه بر توان داخلی می‌توان در سخت‌ترین شرایط نیز پروژه‌های عمرانی را به پیش برد و در اختیار شهروندان قرار داد.» او تصریح می‌کند: «این رویکرد اثبات می‌کند که باید چشم امید را از نگاه به بیرون قطع کرد و بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بومی تکیه کرد. ناظر به همین توانمندی‌هاست که امروز در سخت‌ترین شرایط تحمیلی، شاهد رقم‌خوردن اتفاقات مبارک و بهره‌برداری از پروژه‌های متعدد شهری به نفع مردم و پویایی هرچه بیشتر شهر هستیم.»



زهره قندهاری

سامان دهی بافت فرسوده

محمد مهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان، پاسخگوی ساکنان محله باطن است



محله باطن در استان اصفهان و در محدوده شمال شرقی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با خیابان عاشق اصفهانی، از شرق با میدان عاشق اصفهانی، از جنوب با بلوار لاله شمالی و خیابان ابوریحان بیرونی شرقی و از غرب با بلوار بعثت محدود شده است و با محله های برازنده، زینبیه، عمان سامانی، سودان زینبیه و دوقفلان مجاورت دارد. مساحت این محله حدود ۲۶۰ هکتار، میزان بافت فرسوده آن حدود ۵۰ هکتار و میزان فضای سبزه ۵ هزار متر است. در این محله بافت تاریخی وجود ندارد. در محله باطن معضلاتی وجود دارد که ساکنان روایت کرده اند. محمد مهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری، پاسخگوی پرسش های ساکنان است.

با توجه به عرض کم خیابان مهدیه و مشکلات ترافیکی و تصادفات ناشی از آن، علت عدم اجرای طرح تعریض این خیابان با وجود سال ها پیگیری چیست؟

پروژه های بازآفرینی شهری و سامان دهی بافت فرسوده در حوزه خیابان مهدیه و مناطق همجوار، با هدف بهبود دسترسی ها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان نیازمند اجرای چند راهکار کلیدی است. مهم ترین اقدام در این منطقه، اجرای پروژه تعریض و آزادسازی خیابان مهدیه است که نقش بسزایی در روان سازی ترافیک و مشخص شدن مسیرهای دسترسی مناسب دارد. این پروژه که نزدیک به ۲۵ سال از تصویب طرح اولیه آن می گذرد، به دلیل مشکلات مالی و عدم تخصیص اعتبارات لازم در سال های گذشته نیمه کاره مانده بود. اگرچه بخشی از این طرح در گذشته به اجرا درآمده؛ اما تکمیل نهایی آن نیازمند اهتمام جدی مسئولان شهری است. در حال حاضر، با توجه به افتتاح بزرگراه شهید رحیمی و بازگشایی این مسیر ترافیکی، مقرر شده است ردیف بودجه مشخصی برای ادامه پروژه و اتصال آن به خیابان اصلی مهدیه اختصاص یابد تا با تأمین به موقع اعتبارات، این طرح کاملاً عملیاتی شود. از سوی دیگر، برای حل چالش ساخت و ساز در محله های دارای بافت فرسوده، ساخت و سازهای تجمیعی و احداث بنا توسط چند همسایه در کنار یکدیگر به عنوان مؤثرترین راهکار نوسازی شناخته می شود؛ همچنین مجاورت این منطقه با فضای مادی شاه پسند

ظرفیت بی نظیری ایجاد کرده است که بهسازی، زیباسازی و تعریض حریم این مادی در کنار اصلاح خیابان مهدیه می تواند این محدوده را به یکی از الگوهای شخصیت یافته و نمونه شهری در منطقه تبدیل کند.

چرا طرح احداث مجموعه ورزشی در جوار امامزاده محله باطن تاکنون به مرحله اجرا نرسیده است؟

پروژه احداث مجموعه ورزشی در منطقه زینبیه که به عنوان یکی از زیرساخت های مهم ورزشی محله تعریف شده، به دلیل نداشتن سند رسمی با توقف در فرایند جذب سرمایه گذار مواجه شده است. سند مالکیت ضرورت پیگیری دارد و شرط لازم برای انتشار فراخوان سرمایه گذاری و فرایند مشارکت، اخذ و تثبیت سند مالکیت زمین است که به نام شهرداری است. شهرداری به تنهایی توان مالی احداث این پروژه ورزشی را ندارد و تحقق آن کاملاً نیازمند ورود سرمایه گذار بخش خصوصی در قالب مدل های مشارکتی است. در صورت حل مشکل سند و جذب سرمایه گذار، این مکان می تواند به یک مجموعه ورزشی مجلل مانند استخر یا ورزشگاه مجهز برای استفاده شهروندان منطقه زینبیه تبدیل شود.

با توجه به تراکم بالای جمعیت در محله باطن و کمبود شدید فضای بازی و بوستان برای کودکان و نوجوانان، چه برنامه ای برای رفع این کمبود وجود دارد؟

بر اساس گزارش های مطرح شده، مجموعه اقدامات و برنامه های پیشنهادی برای مدیریت و عمران این منطقه به شرح زیر تشریح می شود: یکی از مهم ترین مطالبات و پروژه های منطقه، موضوع تعریض و آزادسازی خیابان مهدیه است که با وجود گذشت نزدیک به ۲۵ سال از تصویب طرح اولیه، به دلیل مشکلات مالی و عدم تخصیص اعتبارات لازم، به صورت نیمه کاره رها شده است. اگرچه بخش هایی از این پروژه در گذشته به اجرا درآمده؛ اما تحقق کامل آن نیازمند عزم جدی و همت واقعی مسئولان شهری است. در شرایط کنونی و با توجه به افتتاح بزرگراه شهید رحیمی و بازگشایی این مسیر ترافیکی، مقرر شده است ردیف بودجه مشخصی برای ادامه پروژه و اتصال آن به خیابان اصلی مهدیه اختصاص یابد. اجرای پروژه تعریض خیابان مهدیه نقش بسزایی در روان سازی ترافیک و تعیین مسیرهای دسترسی مناسب ایفا می کند؛ همچنین در کنار این اقدام، اجرای طرح های نوسازی بافت فرسوده از طریق ساخت و سازهای تجمیعی

(احداث بنا توسط چند همسایه در کنار یکدیگر) به عنوان مؤثرترین راهکار برای سامان دهی املاک مجاور پیشنهاد شده است. از سوی دیگر، مجاورت این محدوده با فضای مادی شاه پسند ظرفیت بی نظیری ایجاد کرده که در صورت بهسازی، زیباسازی و تعریض حریم این مادی هم زمان با اصلاح خیابان مهدیه، این منطقه می تواند به یکی از الگوها و نمونه های موفق شهری تبدیل شود. در حوزه فضاهای ورزشی و تفریحی، پروژه احداث مجموعه ورزشی در منطقه زینبیه نیز به دلیل عدم اخذ سند رسمی مالکیت با توقف در روند جذب سرمایه گذار مواجه شده است. از آنجا که شهرداری توان مالی لازم برای احداث مستقل این مجموعه را ندارد، اخذ و تثبیت سند مالکیت زمین به نام شهرداری شرط لازم برای انتشار فراخوان و جلب مشارکتی بخش خصوصی است تا در صورت تحقق، مجموعه ای مجهز نظیر استخر یا ورزشگاه در اختیار شهروندان قرار گیرد؛ همچنین در بخش فضاهای سبز، با توجه به کفایت وسعت بوستان های موجود شامل بوستان سلمان (در محدوده باطن)، بوستان شهیدان خطیبی و بوستان احمدرضا، اولویت اصلی به جای توسعه کمی، بر ارتقای کیفی و تجهیز این بوستان ها به



بهترین و سریع‌ترین راهکار برای انعکاس این‌گونه مشکلات معابر، تماس شهروندان با سامانه ۱۳۷ و ثبت درخواست‌های مرتبط است تا پس از بررسی و پیگیری‌های لازم، شهرداری نسبت به ترمیم و بهسازی آسفالت یا لکه‌گیری کوچه‌ها و معابر اقدام کند.

بوستان‌های محله باطن نیازمند رسیدگی و افزایش امکانات هستند. چه اقداماتی در این خصوص صورت گرفته یا برنامه‌ریزی شده است؟

در ادامه سامان‌دهی و تجهیز فضاهای سبز منطقه، برنامه‌ریزی‌های متفاوتی برای سه بوستان اصلی اجرا یا پیش‌بینی شده است. در بوستان سلمان واقع در مجاورت محله باطن، عملیات احداث زمین چمن مصنوعی و حصارکشی اطراف آن در حال انجام است که با تکمیل آن، فضایی استاندارد و مناسب برای فعالیت‌های ورزشی شهروندان فراهم می‌شود. اما در بوستان شهیدان خطیبی به دلیل قرارگیری در مرکز محله و میان منازل مسکونی، نصب تجهیزات جدید بازی و تفریحی با ممانعت و نارضایتی اهالی روبه‌رو شده است؛ چراکه تجمع افراد و شلوغی حاصل از این وسایل، سلب آسایش خانواده‌های ساکن در اطراف پارک را به دنبال دارد؛ از این رو مناسب‌ترین گزینه برای توسعه تجهیزات بازی و وسایل تفریحی، بوستان امامزاده احمدرضا است. این بوستان به دلیل قرارگیری در انتهای محله، ظرفیت بالاتری دارد و در صورت اجرای پروژه حصارکشی، تقویت زیرساخت‌های تفریحی در آن می‌تواند پاسخگوی نیازهای اوقات فراغت شهروندان باشد.

با توجه به وجود بافت فرسوده گسترده در محله باطن، چه طرح‌ها و تسهیلاتی برای نوسازی، سامان‌دهی و ایجاد معابر استاندارد در این محله در نظر گرفته شده است؟

در جمع‌بندی نهایی راهکارهای توسعه و سامان‌دهی منطقه، تعریض خیابان مهدیه همچنان به‌عنوان کلیدی‌ترین اقدام مطرح است. اجرای این پروژه و مشخص‌شدن مسیرهای دسترسی مناسب، زمینه را برای بازآفرینی بافت فرسوده محله باطن از طریق ساخت‌وسازهای تجمیعی (احداث بنا توسط چند همسایه در کنار یکدیگر) فراهم می‌کند. از سوی دیگر، مجاورت این محدوده با فضای مادی شاه‌پسند یک ظرفیت بی‌نظیر شهری ایجاد کرده است؛ بدین ترتیب که همزمان با تعریض خیابان مهدیه، اجرای پروژه‌های زیباسازی و بهسازی در امتداد این مادی می‌تواند این منطقه را به یکی از نمونه‌ها و الگوهای موفق شهری تبدیل کند.



عملاً غیرممکن و توجیه‌ناپذیر است. تنها راهکار منطقی و مؤثر برای بهبود وضعیت معابر و سامان‌دهی زمین‌های فرسوده محله باطن، اجرای طرح‌های تجمیع پلاک است؛ بدین صورت که چند خانه مجاور (به‌عنوان مثال ۵ یا ۶ پلاک فرسوده) با یکدیگر تجمیع شده و پس از بازسازی و تعریف بره‌ای جدید، هم‌روند نوسازی بافت سرعت گیرد و هم تعریض معابر به صورت اصولی محقق شود.

دسترسی خیابان شهید رحیمی در محله باطن نیمه‌کاره رها شده است. برنامه تکمیل این پروژه چیست و تاکنون چه اقداماتی انجام شده است؟

در خصوص تملک اراضی انتهایی مسیر پروژه نیز خوشبختانه مباحث حقوقی و قانونی به مراحل پایانی خود رسیده است. هزینه و اعتبار موردنیاز برای تملک این زمین در انتهای کار به دادگستری پرداخت شده و روال قانونی آن در حال طی شدن است. با توجه به انجام کامل تشریفات قانونی و واریز وجوه مربوط، پیش‌بینی می‌شود طی یکی دو ماه آینده عملیات آزادسازی و ادامه احداث خیابان به طور کامل به پایان برسد.

وضعت آسفالت خیابان مهدیه و سایر معابر محله باطن نامناسب است. زمان بندی اجرای آسفالت این معابر چه زمانی است؟

درخصوص مشکلات و نیازمندی‌های جزئی در معابر و کوچه‌های محله‌ها نیز این مسائل در اکثر نقاط شهری وجود دارد و پیگیری آن‌ها از مسیرهای ارتباطی مشخص دنبال می‌شود.

باطن موجب گردوغبار و تخلیه زباله و نخاله شده است. برنامه سازمان مربوط برای سامان‌دهی این زمین‌ها چیست؟

در ادامه سامان‌دهی و تعیین تکلیف زمین‌های منطقه، موضوع اراضی بایر و رها شده به‌عنوان یکی از محورهای مهم توسعه شهری مطرح است. یکی از تحولات مثبتی که اخیراً در این راستا رخ داده، احداث و بازگشایی خیابان شهید رحیمی است؛ پروژه‌ای که نقش کلیدی در مشخص‌شدن راه‌های دسترسی به این زمین‌های بایر ایفا می‌کند. تعیین وضعیت این مسیرها، زمینه را برای تفکیک قانونی اراضی و در نهایت ورود مالکان و سرمایه‌گذاران به فاز ساخت‌وساز فراهم می‌کند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تا زمانی که مسیرهای دسترسی به‌طور دقیق مشخص نشوند و مراحل تفکیک این زمین‌ها صورت نگیرد، این اراضی همچنان بلا تکلیف و بایر باقی خواهند ماند و امکان رونق ساخت‌وساز در آن‌ها وجود نخواهد داشت.

و وجود کوچه‌های باریک و غیرقابل دسترسی در محله باطن، توسعه محله و تردد شهروندان را با مشکل مواجه کرده است. برای رفع این معضل چه طرحی در دست اجراست؟

درخصوص وضعیت معابر و کوچه‌های محله باطن نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که بافت ساختمانی و معابر این محله شکل گرفته و تثبیت شده است. در حال حاضر تعداد محدودی کوچه با عرض نامناسب وجود دارد؛ اما به دلیل ریزدانه‌بودن پلاک‌ها و ساختار شهری موجود، از جمله وجود خانه‌های ۵۰ تا ۷۰ متری، امکان عقب‌نشینی یا تعریض مجزای این کوچه‌ها

امکانات ورزشی و تفریحی معطوف شده است.

بوستان امامزاده نیازمند حصارکشی و افزایش امکانات رفاهی است. علت بی‌توجهی به این موضوع چیست و چه زمانی اقدامات لازم انجام خواهد شد؟

در ادامه بررسی پروژه‌های عمرانی و شهری منطقه، طرح سامان‌دهی محدوده مجاور امامزاده و پارک همجوار نیز به‌عنوان یکی از برنامه‌های مصوب شهرداری مطرح است که تحقق کامل آن نیازمند همکاری و تعامل بیشتر سازمان اوقاف است. بر اساس این طرح، مقرر شده بود قسمتی از زمین‌های موردنظر آزادسازی شده و جهت حصارکشی در اختیار شهرداری قرار گیرد؛ اما به دلیل عدم همراهی و تعامل لازم از سوی مجموعه اوقاف، این امر تاکنون به نتیجه نرسیده؛ این در حالی است که مدیریت منطقه بر اجرای این پروژه تأکید داشته و معتقد است حصارکشی و تعیین حدود این محدوده، نقش بسزایی در ارتقای امنیت پارک و مجموعه امامزاده ایفا خواهد کرد. علاوه بر این، نگارش و مدیریت این فضاهای سامان‌دهی شده می‌تواند به آستان امامزاده واگذار شود که این موضوع موقعیت بسیار مناسبی را برای محله و مجاورت این آستان مقدس ایجاد می‌کند. با وجود اینکه این طرح جزو برنامه‌های اولویت‌دار منطقه به شمار می‌رود؛ اما در حال حاضر اعتبارات مالی لازم برای آن تأمین نشده و در صورت تخصیص به‌موقع اعتبارات و شکل‌گیری تعامل میان دستگاهی، عملیات اجرایی آن به سرعت آغاز خواهد شد.

ب زمین‌های بایر متعدد در اطراف محله





زهره قندهاری

داستان تحول محله‌های منطقه ۱۴

محله باطن در استان اصفهان و در محدوده شمال شرقی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با خیابان عاشق اصفهانی، از شرق با میدان عاشق اصفهانی، از جنوب با بلوار لاله شمالی و خیابان ابوریحان بیرونی شرقی و از غرب با بلوار بعثت محدود شده و با محله‌های برازنده، زینبیه، عمان سامانی، سودان زینبیه و دوطفلان مجاورت دارد. مساحت این محله حدود ۲۶۰ هکتار، میزان بافت فرسوده آن حدود ۵۰ هکتار و میزان فضای سبز ۵۰ هزار متر است. در این محله بافت تاریخی وجود ندارد. در محله باطن معضلاتی وجود دارد و اقداماتی در آن انجام شده که به صورت اینفوگرافی در این صفحه روایت شده است.

مهم‌ترین اقدامات انجام شده در منطقه و محله باطن

احداث پردیس
خانواده‌محور
موسود

رفع معضل
صحرای باطن
بعد از چند دهه

احداث سومین
میدان بزرگ شهری
اصفهان در منطقه

احداث کلاتری
و دو ورزشگاه
در منطقه

اجرای پروژه‌های
پیش‌ران

تبدیل پهنه‌های
باطن و سودان
به فضاهای
مدرن و کاربردی

معضلات محله باطن

وجود کوچه‌های تنگ

عرض کم خیابان مهدیه

نیمه‌کاره رهاشدن خیابان شهید رحیمی

معضلات ترافیکی

نامناسب بودن وضعیت آسفالت خیابان مهدیه و سایر معابر

عدم احداث مجموعه ورزشی

نامناسب بودن وضعیت بوستان‌ها

کمبود فضای بازی و امکانات رفاهی

بافت فرسوده گسترده

تعدد زمین‌های بایر



مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری

طراح و صفحه‌آرا علی نصرآزادانی

دبیر تحریریه و ویژه‌نامه زهره سادات کاظمی

تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مریم نقیان، سارا حفیظی

ویراستار سارا حفیظی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا

مدیر مسئول دکتر علی قاسم‌زاده

مدیر عامل سید علیرضا حسینی

سردبیر محمد حسین اعتزازیان

دبیر ویژه‌نامه و رسانه‌های هم‌محله احمد مهره‌کش

عکس کوثر رحیمی

اصفهان زیبا

هم‌محله



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید